

جهان صنعت

سه‌شنبه ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۵ ■ ۲۴ ذی‌القعده ۱۴۴۷ ■ ۱۲ می ۲۰۲۶

سال بیست و دوم ■ شماره ۶۰۷۷ ■ ۸ صفحه ■ قیمت ۲۰۰۰۰ تومان

«جهان صنعت» اهداف برنامه‌های همتی برای حفظ ذخایر را بررسی می‌کند

سه‌گانه متناقض ارزی

روایت دکتر هاشم اورعی، استاد دانشگاه صنعتی شریف از اقتصاد ایران

از ایران مال تا سقوط تولید



رشد ناآه باغ - جهان صنعت

ادامه سرمقاله

هندسه نامتقارن امنیت در هرمز

از همین مسیر کم‌عرض، هر روز میلیون‌ها بشکه نفت و میلیاردها دلار سرمایه عبور و همین عبور، سرنوشت بودجه‌ها، نرخ تورم و تصمیم‌های بازارهای سه‌قاره را تعیین می‌کند.

گره واقعی هرمز اما در «عدم تقارن هندسی» دو سوی آن نهفته است؛ عدم تقارنی که مارشال آن را کلید قدرت و ضعف در جغرافیای سیاسی می‌داند. در شمال تنگه کشوری قرار دارد با ساحل پیوسته، کوه‌های مشرف و عمق استراتژیک فراوان؛ زمینی که از نظر طبیعی قابلیت دفاع، کنترل و اشراف دارد. در جنوب اما مجموعه‌ای از دولت‌های کوچک و اقتصادهای وابسته صف کشیده‌اند؛ سواحلی پراکنده با عمق محدود و تکیه تمام‌قد بر صادرات انرژی از همین گذرگاه. این اختلاف شکل زمین، اختلاف رفتار اقتصاد را هم تعیین کرده است؛ در شمال، اعتماد به موقعیت و امنیت سرزمینی و در جنوب، اضطراب دائمی از هر تغییر یا اختلال در عبور کشتی‌ها. مارشال می‌گوید: «جغرافیا خلق می‌کند، سیاست پاسخ می‌دهد.» در هرمز، جغرافیا وضعیتی ساخته که پاسخ اقتصادی دو سوی تنگه نیز کاملاً متفاوت است. در سوی شمال، هندسه زمین قدرت طبیعی برای

کنترل و بازدارندگی می‌بخشد و همین امتداد کوه‌های ساحلی نوعی حاشیه امنیت ذاتی ایجاد کرده است. در سوی جنوب، اقتصادها به آبراه وابسته‌اند، لوله‌ها به سمت دریا کشیده شده، بنادر با ریتم خروج نفت می‌زنند و تمام حساب‌های ملی به سلامت عبور از این خط باریک گره خورده است. چنین تفاوتی در جغرافیا یعنی تفاوت در شکنندگی سرمایه؛ یک‌سو امن‌تر از زمین، سوی دیگر آسیب‌پذیرتر از دریا. از همین تفاوت، نوعی هندسه نامتقارن امنیت شکل گرفته است؛ ترکیبی از قدرت طبیعی و وابستگی ساختاری که مارشال در سطح جهانی بارها به آن اشاره کرده است. او معتقد است: هرگاه یک سوی گذرگاه پیوستگی سرزمینی و اشراف طبیعی دارد و سوی دیگر به تجارت وابسته است، تعادل امنیتی و اقتصادی از ریشه نامتقارن می‌شود. تنگه هرمز دقیقاً چنین صحنه‌ای است، جایی که طبیعت نقشه‌های کشیده تا قدرت و سرمایه به یک اندازه توزیع نشوند.

این نامتقارنی در اقتصاد امروز به وضوح دیده می‌شود. بازار انرژی جهان از هرمز می‌ترسد زیرا می‌داند هیچ مسیر جایگزین کم‌هزینه‌ای وجود ندارد. این ترس، ترجمه مالی دارد: افزایش حق بیمه، نوسان قیمت نفت و تغییر مسیر سرمایه‌ها. در سوی شمال،

سرمایه بیشتر محلی است، متکی بر ژئواستراتژی و عمق سرزمینی. در سوی جنوب، سرمایه خارجی سیال و عصبی است. به محض احساس خطر، نقل مکان می‌کند. همانطور که مارشال می‌گوید «جغرافیا مهاجرت سرمایه را هم تعیین می‌کند» و این مهاجرت در هرمز سرعتی برق‌آسا دارد.

در چنین فضایی هر حادثه کوچک می‌تواند اثری بزرگ و برگشت‌ناپذیر داشته باشد. نظریه سیستم‌های پیچیده آن را «نقطه آشوب» می‌نامد، جایی که نظم و بی‌نظمی به هم می‌رسند، اگر در هرمز اختلالی جدی و طولانی رخ دهد، هیچ بازگشتی به وضعیت پیشین وجود نخواهد داشت. سرمایه مسیر جدیدی خواهد ساخت - از خطوط لوله داخلی گرفته تا بنادر اقیانوسی - و آن مسیر تازه، آرایش انرژی جهان را تغییر خواهد داد. این همان منطق برگشت‌ناپذیری در سیستم آشوب است؛ وقتی تغییر از آستانه می‌گذرد، مسیر تاریخ عوض می‌شود.

در آینده اقتصاد جهانی، این ویژگی هرمز حیاتی‌تر خواهد شد. حتی با رشد انرژی‌های نو، وابستگی به نفت و گاز همچنان دهه‌ها ادامه دارد. آسیا گرسنه انرژی باقی می‌ماند و مسیرهای عرضه محدود خواهند بود. در چنین شرایطی، تنگه هرمز همچنان گره اصلی توازن انرژی جهان است. هرگاه ریسک

در این نقطه بالا رود، جهان از نیویورک تا شانگهای لرزش را حس خواهد کرد. بازارها می‌دانند که این تنگه را نمی‌توان «مدیریت کرد». فقط می‌توان امیدوار بود که زمین مهربان بماند.

اما سوال تکراری: آیا طرح‌های نظامی می‌توانند کنترل کامل این گذرگاه را به دست آورند؟ پاسخ در همان منطق مارشال نهفته است: جغرافیا اجازه نمی‌دهد. هیچ قدرتی نمی‌تواند قواعد زمین را از نو بنویسد. هرمز یک آبراه بین‌المللی کوچک اما حیاتی است؛ هر تلاش برای تسلط مطلق بر آن، نه روی زمین و به همین دلیل با هر تکانه سیاسی یا امنیتی به‌سرعت مسیرش را عوض می‌کند. پس از هر بحران، شمال می‌تواند با اتکا به مزیت‌های طبیعی و موقعیت دفاعی‌اش روند ترمیم را آغاز کند اما جنوب برای بازیابی سرمایه نیازمند ترکیب همزمان درک اقتصادی، دقت استراتژیک و انسجام ملی است؛ بدون این سه، سرمایه خارجی ورود پیدا نخواهد کرد و سرمایه داخلی شهامت ریسک پیدا نمی‌کند. این تفاوت بنیادین، همان چیزی است که مارشال در جبر جغرافیا از آن به‌عنوان «حکم طبیعت بر اقتصاد» یاد می‌کند؛ حکمی که هرمز آن را هر روز تکرار می‌کند.

* پژوهشگر اقتصادی

ادامه تقدروژ

کلید گشایش برای ایران

کلید استفاده کرد؟ تجربه نشان داده است تکیه بر توانایی داخلی و کنار نهادن قدرت اقتصادی جهان بیرون از ایران همان کلیدی نیست که بشود روزه‌های فروبسته در کسب‌کار شهروندان را باز کرد. این تصور که می‌توان دور از جهان دارای اقتصاد نیرومند و دارای مازاد سرمایه و نیازمند به انرژی فسیلی زندگی و شهروندان را از تهیدستی رها کرد باید کنار گذاشت. داستان بسیار روشن است؛ ژاپن و کره جنوبی در آسیا و آلمان و فرانسه در اروپا به نفت و گاز ایران نیاز دارند و می‌توانند برای استخراج این دو کالای پرتقاضا سرمایه و تکنولوژی بیآورند اما جمهوری اسلامی با آنها دادوستد ندارد. در مقابل، جمهوری اسلامی با روسیه که رقیب اصلی ایران در بازار جهانی نفت و گاز است دوستی راهبردی دارد که تا امروز به هیچ

دردی نخورده است. برای پایداری ایران و نگهداری از این آب و خاک که حالا همه اندیشه‌های سیاسی درون سرزمین ایران به‌ویژه هسته اصلی قدرت آن را عزیز و گرامی می‌دانند علاوه بر عشق و محبت نیاز به استفاده از خرد سیاسی هم دارد. مگر می‌شود با کشورهای که نیازمند بخشی از طبیعت بخشنده این سرزمین هستند دادوستد نکرد و به سمت کشوری مثل کره شمالی گرایش داشت که در پایین‌ترین نقطه در میان کشورهای جهان از نظر درآمد سرانه قرار دارد. اگر به نگهداری از این سرزمین باستانی گرایش درست و درمان و غیرشعاری وجود داشته باشد باید با چشم‌هایی باز دوست واقعی را برای کشور جست‌وجو کرد. کلید باز کردن روزه‌های بسته‌شده توسعه ایران را باید در همین‌جا پیدا کرد.

کر استارمر، نخست‌وزیر انگلیس:

نمی‌گذارم انگلیس وارد جنگ با ایران شود

نخست‌وزیر انگلیس که پس از انتخابات محلی و منطقه‌ای در این کشور رهبری او با تهدید فزاینده‌ای روبرو است، روز گذشته در یک سخنرانی گفت: «نمی‌گذارم بریتانیا وارد جنگ با ایران شود.» کر استارمر همچنین قول داد که به دنبال توافق جدیدی با اتحادیه اروپا باشد و افزود: «دولت قبلی با قطع رابطه ما با اروپا تعریف شد. این دولت «کارگری» با بازسازی این رابطه با قرار دادن بریتانیا در قلب اروپا تعریف خواهد شد.»



سرمقاله

هندسه نامتقارن امنیت در هرمز

محمدامین یاسینی*

تیم مارشال در کتاب ارزشمندش «جبر جغرافیا» جمله‌ای دارد که برای همیشه در ذهن می‌نشیند: «کشورها ممکن است آرزوهای بزرگی داشته باشند اما زمین معمولاً نقشه خودش را اجرا می‌کند.» این همان نقطه شروع فهم تنگه هرمز است، جایی که جغرافیا، امنیت و سرمایه را در قالبی نامتقارن به هم گره زده است، جایی که شکل زمین تبدیل شده به قانون نانوشته‌ای برای رفتار اقتصاد جهانی.

هرمز در ظاهر یک خط باریک بین دو ساحل اما در واقع وزنه‌ای سنگین در ترازوی امنیت و انرژی جهان است. مارشال در کتابش بارها نشان داده که در جهان، جغرافیا گاهی از ارتش موثرتر است. این تنگه باریک نمونه زنده همین حکم است: مساحت اندک و تأثیر عظیم.

ادامه در همین صفحه

تقدروژ

کلید گشایش برای ایران

محمدصادق جنان صفت

سرزمین باستانی ایران، روزهای سخت، تلخ و غصه‌داری را زندگی می‌کند. بزرگ‌ترین سختی‌ای که این روزها بر ایرانیان فشار می‌آورد پیامدهای پا در هوا ماندن دالستان جنگ و صلح است. ایرانیان در برزخ گرفتار شده و نمی‌دانند آینده پیش‌رو با جنگ ادامه دارد، به صلح می‌رسد یا اینکه همین طوری می‌ماند که با آتش‌بس پس از جنگ ۴۰ روزه روبرو شده است. حالا دیگر رییس‌جمهور، معاون اول او و نیز شماری از وزیران کابینه و نیز وابستگان به کابینه می‌دانند فشار قابل‌اعتنایی به مردم آمده و زیر بار نرخ تورم فزاینده مواد غذایی عادی کمرشان تا شده است. به همین دلیل است که دوباره شمیر از رو بسته و جنگ با محرکان و سودجویان را در دستور کار قرار داده‌اند. در بیرون از کابینه نیز نهادهایی نظیر بسیج و نهاد تازه زاده شده است.

ادامه در همین صفحه

برندگان و بازندگان جنگ علیه ایران

برای خاورمیانه جنگ علیه ایران بار دیگر درس تلخی دربارۀ این واقعیت بود که شکافها و رقابت‌ها چگونه می‌توانند به‌ترگیری‌های ویرانگر منجر شوند؟ اما برای بخش بزرگی از جهان، این جنگ حامل درس دیگری نیز بود. یعنی مخاطرات سیاسی وابستگی انرژی. زمانی که تنگه هرمز در اوایل مارس عملاً بسته شد و حدود یک‌پنجم نفت و گاز طبیعی مایع جهان را متوقف کرد کشورهای مختلف با جهش شدید قیمت نفت و گاز روبرو شدند.

بازنشستگی؛ پایان دوران زحمت

یا آغاز فقر

گرچه فصل بهار آغاز شده اما زمستان سخت معیشتی در کشور همچنان پابرجاست و سرمای استخوان‌سوز آن هرروز عمیق‌تر می‌شود. در این سرمای طاقت‌فرسا، اقشار مختلف جامعه برای گذران زندگی تقلا می‌کنند، یکی از این گروه‌ها پیشکسوتانی هستند که دهه‌ها برای این سرزمین کوشیده‌اند.

مصرف مرغ به نصف رسید

سال‌هاست که گوشت مرغ از اصلی‌ترین اقلام برای سفره خانوار ایرانی به‌شمار می‌رود؛ کالایی که از مهمانی‌های خانوادگی تا عروسی پای ثابت خون‌خوار رنگ ایرانیان بوده است. سفره‌ای که طی دهه‌های اخیر یکدست‌تر شده و تنوع خود را از دست داده اما اکنون و به‌همراه دیگر اقلامی که در گذشته رخت بستند مرغ نیز به‌واسطه افزایش قیمت در حال پر کشیدن از سفره‌هاست ...

پرسش‌روز

دهقانان خرده‌پا و کارگران بازنشسته

یکم- سمیه رفیعی، نایب‌رییس کمیسیون کشاورزی، آب، منابع طبیعی و محیط‌زیست مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با خبرنگار پارلمانی تسنیم؛ با اشاره به آغاز فصل برداشت گندم در استان‌های گرمسیری و تلاوم تأخیر در پرداخت مطالبات کشاورزان، خواستار ورود فوری و نظارت دقیق بر اجرای بودجه و تسویه به‌موقع وجوه گندمکاران شد. وی با بیان اینکه تأخیر در پرداخت مطالبات گندمکاران دیگر یک مسأله مالی صرف نیست بلکه به تهدیدی جدی برای امنیت غذایی کشور تبدیل می‌شود، اظهار داشت: «براساس گزارش‌های میدانی، با وجود گذشت بیش از یک‌ماه از برداشت در استان‌هایی مانند خوزستان، هنوز مطالبات کشاورزان پرداخت نشده و این وضعیت، آنان را ناچار به فروش محصول خود به دلالت و خارج از شبکه رسمی کرده است.

دوم- نایب‌رییس کانون عالی بازنشستگان تأمین اجتماعی گفت: از وزیر کار و رییس‌جمهور و مقامات دیگر می‌خواهیم که در همین چند روز آینده موضوع را حل کنند. در این شرایط خاص کشور، نهی از منکر و تأکید می‌کنیم که در این شرایط حساس امنیتی کشور نباید جامعه بازنشستگان را ملتهب کرد.

به گزارش ایسنا، تأخیر در اعمال افزایش حقوق بازنشستگان تأمین اجتماعی موجب انتقادات بسیار شده است. عدم صدور احکام جدید متناسب با افزایش حداقل حقوق مصوب شورای عالی کار، کارگران بازنشسته را نگران و ناراضی کرده است.

سوم- پرسش این است که آیا دولت و دیگر نهادهای امنیتی، اقتصادی و سیاسی نباید به این دو قشر مهم یعنی بازنشستگان کارگری و دهقانان خرده‌پا در سراسر پهنه این کشور توجه بیشتری داشته باشند؟ آیا دولت نمی‌داند که باید بهای گندم خریداری‌شده از دهقانان که یکسال برای کشت و داشت و برداشت گندم زحمت کشیده‌اند را پرداخت و برای این پرداخت باید از پیش اندیشید؟ آیا دولت نمی‌داند باید افزایش مستمری بگیران در سال جدید را از همان اسفندماه در دستور کار قرار داد؟ دنیای عجیبی داریم در این سرزمین.

هوالباقی

ای ساربن آرمسته دلان کارام جانم می‌رود
وآن دل که با خود دارشم با دست‌نم می‌رود

خانواده بزرگ فکور صنعت سوگوار است

بانهایت تأسف و تأثر، به اطلاع تمامی همکاران، کارفرمایان، مشاوران و پیمانکاران گرامی می‌رسانیم که دختر دلبند همکار عزیزمان، جناب آقای رمضان علی‌فلاح (مدیر محترم مالی گروه)، زود هنگام از میان ما پرکشید.

این فقدان تلخ، قلب همه ما را به درد آورده و خود را در این غم بزرگ، شریک و صاحب‌عزا می‌دانیم؛ به جهت گرامیداشت یاد و خاطره دختر عزیزمان، مراسم یادبودی منعقد می‌گردد.

بدین وسیله از شما سروران گرامی دعوت می‌شود با حضور خود در این مراسم، تسلی خاطر بازماندگان باشید.

مدیریت و کارکنان
گروه فکور صنعت

زمان: روز چهارشنبه مورخ ۲۳ اردیبهشت ماه از ساعت ۱۳:۳۰ الی ۱۵:۰۰
مکان: تهران، میدان فاطمی، مسجد نور



کر استارمر، نخست‌وزیر انگلیس: نمی‌گذارم انگلیس وارد جنگ با ایران شود



خبرشناس کرد که اجازه نمی‌دهد پای کشورش به جنگ علیه ایران کشیده شود. کر استارمر که پس از انتخابات محلی و منطقه‌ای در این کشور رهبری او با تهدید فزاینده‌ای روبه‌رو است، روز گذشته در یک سخنرانی گفت که ثابت خواهد کرد کسانی که نسبت به کار او تردید دارند، اشتباه می‌کنند. او در این سخنرانی که با هدف ازسرگیری نخست‌وزیری‌اش برگزار شد، گفت: «می‌دانم که مردم از وضعیت بریتانیا، از سیاست و برخی از من ناامید شده‌اند. می‌دانم که افرادی نسبت به من تردید دارند و می‌دانم که باید اشتباه آنها را ثابت کنم و این کار را خواهم کرد.» استارمر با هشدار درباره اینکه حزب کارگر با «مخالفان بسیار خطرناکی» روبه‌رو است، تاکید کرد که با هرگونه چالش رهبری مبارزه خواهد کرد و از مسوولیت‌های خود به‌عنوان نخست‌وزیر کناره‌گیری نخواهد کرد.

بنا بر گزارش راشا تودی، نخست‌وزیر انگلیس در بخش دیگری از صحبت‌های خود تصریح کرد: «نمی‌گذارم بریتانیا وارد جنگ با ایران شود.» او همچنین قول داد که به دنبال توافق جدیدی با اتحادیه اروپا باشد و افزود: «دولت قبلی با قطع رابطه ما با اروپا تعریف شد. این دولت «کارگری» با بازسازی [این رابطه] با قرار دادن بریتانیا در قلب اروپا تعریف خواهد شد.» کر استارمر به‌علاوه یادآور شد که بریگزیت (خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا)، انگلیس را فقیرتر و ضعیف‌تر کرد و مهاجرت را افزایش داد.

امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه: هرگز به فکر اعزام کشتی‌های جنگی به تنگه هرمز نبودیم



فرانسه در کنفرانس مطبوعاتی در نایروبی، در پاسخ به هشدار جمهوری اسلامی ایران مبنی بر «پاسخ قاطع و فوری» در صورت استقرار نیروهای فرانسوی و بریتانیایی در تنگه هرمز اظهار کرد که «فرانسه هرگز به فکر اعزام کشتی‌های جنگی به تنگه هرمز نبوده است.» بنابر گزارش رسانه فرانسوی بی‌اف‌ام‌تی‌وی، رئیس‌جمهور فرانسه با تاکید بر اینکه به این موضع «پایبند» است، گفت: «اطمینان می‌دهم که فرانسه هرگز استقرار نیروی دریایی نظامی در تنگه هرمز را در نظر نگرفته بلکه یک ماموریت امنیتی هماهنگ با ایران را در نظر گرفته است.» امانوئل ماکرون در کنفرانس مطبوعاتی مشترک با ویلیام روتو رئیس‌جمهور کنیا پس از مذاکراتی با محوریت تقویت روابط دو جانبه و هماهنگ کردن اولویت‌ها در تجارت، سرمایه‌گذاری و همکاری منطقه‌ای، این اظهارات را عنوان کرد. کاظم غریب‌آبادی معاون حقوقی و بین‌المللی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران پیشتر در واکنش به گزارش‌هایی درباره تصمیم فرانسه و انگلیس برای اعزام ناوهای خود به منطقه در پیامی در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «هرگونه اعزام و استقرار ناوشکن‌های فرامنطقه‌ای در اطراف تنگه هرمز، با ادعای محافظت از کشتیرانی، چیزی جز تشدید بحران، نظامی‌سازی یک آبراه حیاتی و تلاش برای سرپوش گذاشتن بر ریشه واقعی ناامنی در منطقه نیست.» او تصریح کرد که حضور ناوهای فرانسوی و انگلیسی یا هر کشور دیگری در تنگه هرمز، با «پاسخ قاطع و فوری» و «نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مواجه خواهد شد.» در نتیجه آتش‌افروزی آمریکا و رژیم صهیونیستی در منطقه و با تکرار حملات غیرقانونی علیه حاکمیت ملی و تمامیت ارضی ایران از ۹ اسفند۱۴۰۰، مقامات جمهوری اسلامی ایران اعلام کردند کلیه تردد کشتی‌ها از این آبراه مهم بین‌المللی که در مجاورت آب‌های سرزمینی و خط ساحلی قلمرو ایران واقع شده است، باید با هماهنگی ایران انجام شود و کشتی‌های مرتبط با آمریکا و رژیم صهیونیستی و متحدان آنها اجازه عبور نخواهند داشت.

مرکز رسانه قوه قضاییه اعلام کرد: اجرای حکم اعدام عرفان شکورزاده

میزان – قوه قضاییه در اطلاعیه‌ای اعلام کرد که «عرفان شکورزاده فرزندان جعفر، به جرم همکاری با سرویس اطلاعاتی آمریکا و سرویس جاسوسی موساد به دار مجازات آویخته شد.» در بخشی از این اطلاعیه آمده است: «براساس محتویات پرونده، نامبرده به‌عنوان پروژه و با توجه به تخصصی که داشته، جذب یکی از سازمان‌های علمی کشور که در حوزه ماهواره فعالیت داشته، شده بود. محکوم‌علیه در حین همکاری با مجموعه مهم علمی کشور، اقدام به ارتباط‌گیری با سرویس‌های جاسوسی دشمن ازجمله CIA و به‌طور ویژه سرویس اطلاعاتی-تورویستی موساد کرد. نامبرده با سرویس‌های اطلاعاتی دشمن در سه مرحله اقدام به ارتباط‌گیری کرده که مرحله اول و سوم مربوط به موساد و مرحله دوم مربوط به سیا بوده است.» همچنین در بخش دیگر این اطلاعیه تاکید شده است: «در نهایت در حالی که عرفان شکورزاده همچنان با سرویس ارتباط داشته، مورد شناسایی و تحت اشراف اطلاعاتی نهادهای امنیتی قرار گرفته و دستگیر می‌شود. با تشکیل پرونده قضایی و انجام تحقیقات و صدور کیفرخواست، دادگاه رسیدگی به اتهامات عرفان شکورزاده با حضور وکیل وی برگزار شد.» در بخش پایانی اطلاعیه نیز آمده است: «پرونده در دیوان عالی کشور بررسی شد و هیات عالی‌رتبه قضایی دیوان نیز با توجه به شیوه ارتکاب جرم و ارتباطات گسترده و نتایج زاینار اقدامات صورت گرفته نامبرده و دریافت پانف از سرویس جاسوسی، حکم صادره را تأیید و ابرام کرد. حکم اعدام عرفان شکورزاده، جاسوس دو جانبه سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا و سرویس اطلاعاتی-تورویستی موساد، بامداد امروز پس از طی تشریفات قانونی اجرا شد.»

مرکز رسانه قوه قضاییه اعلام کرد: توقیف بخش دیگری از املاک علی کریمی

قوه قضاییه در اطلاعیه‌ای اعلام کرد که «در هفته‌های گذشته با دستور قضایی اموال تعداد زیادی از خائنین به وطن و مردم که از عناصر وابسته به رژیم صهیونیستی و کشورهای متخاصم هستند، در راستای حفظ حقوق عامه و اجرای قانون تشدید مجازات جاسوسی و همکاری با رژیم صهیونیستی علیه امنیت و منافع ملی به نفع مردم شناسایی و توقیف شده است.» قوه قضاییه با تاکید بر اینکه علی کریمی، فوتالیست پیشین تیم ملی ایران نیز از جمله همین افراد است، اعلام کرده است: «با استعلامات صورت‌گرفته از سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، برخی از املاک نامبرده که سعی در اخفای آنها داشته با کار پیچیده حقوقی اطلاعاتی در استان البرز شناسایی شده است. بنابر این گزارش، دو واحد تجاری و ۴ واحد مسکونی از علی کریمی شناسایی و به دستور قضایی به نفع مردم توقیف شده است. یکی از املاک شناسایی شده یک پلاک ثبتی به نام روش، در فرزند علی کریمی شامل دو واحد تجاری و ۴ واحد مسکونی است. به‌واسطه شناسایی و همچنان با دقت و سرعت انجام داده و زیرا حقوق عامه بخشیدنی نیست و هزینه مادی خیانت به ثبات کشور، از محل درایی‌های خائنین به وطن تأمین و به نفع ملت توقیف خواهد شد.»

در پی «غیرقابل قبول» خواندن پاسخ ایران از سوی ترامپ، بقائی خواسته‌های آمریکا را «نامعقول» خواند

بن‌بست در تبادل پیام‌های دیپلماتیک



تنش‌زدایی و ایجاد ثبات در منطقه استفاده می‌کنند.» هرچند بنابر تاکید موکد سخنگوی دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی کماکان این پاکستان است که به‌عنوان طرف میانجی در مذاکرات ایران و آمریکا نقش آفرینی می‌کند. او گفت: «اسلام‌آباد به‌عنوان میانجی رسمی به فعالیت خود در این زمینه ادامه می‌دهد و بقیه کشورها ازجمله قطر نیز با هر دو طرف ارتباط دارند و ایده‌ها و نظراتی دارند که هر موقع لازم بدانند آن را مطرح می‌کنند.»

رد ادعای مخالفت دستگاه دیپلماسی با انسداد تنگه هرمز

شاید اما یکی از بخش‌های مهم صحبت‌های سخنگوی وزارت خارجه ایران آنجا بود که این مقام مسول در دستگاه دیپلماسی با پرسشی درباره هرچه درخصوص مخالفت وزارت امور خارجه با بستن تنگه هرمز مطرح شده، مواجه شد. بقائی در واکنش به این ادعاها تصریح کرد: «وزارت امور خارجه بخشی از جمهوری است و تصمیم‌هایی که براساس سلسله‌مراتب نظام اتخاذ می‌شود، برای وزارت خارجه کاملاً مطاع است.

درباره تنگه هرمز گاهی وقت‌ها یک عبارت‌پردازی‌هایی استفاده می‌شود که دقیق نیست. من بارها تاکید کردم که تدابیری که جمهوری اسلامی ایران از ۹ اسفندماه متعاقب تجاوز نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی و همراهی برخی کشورهای منطقه اتخاذ کرد، براساس حقوق بین‌الملل و قوانین داخلی است؛ کشور ساحلی که مورد تجاوز نظامی قرار گرفته و در در کنار تنگه‌ای بین‌المللی قرار دارد، مجاز است تدابیر لازم را برای جلوگیری از سوءاستفاده از آبراه و جلوگیری از ادامه تجاوزات نظامی اتخاذ کند.

بنابراین وزارت خارجه قطعا در این رابطه موضع شفاف دارد و همچنین باید تاکید کنیم که وزارت خارجه بخش مجزایی از سازمان تصمیم‌گیری و حاکمیت کشور نیست.» با این همه بقائی در بخش پایانی صحبت‌هایش در این نشست مطبوعاتی تصریح کرد: «ما نشان دادیم فارغ از پارازیت‌هایی که ممکن است از نقاط مختلف ساحط مطرح شوند، من منافع ملی ایران متمرکز هستیم و به هر شیوه‌ای که لازم باشد و هر طور که اقتضا کند، در مسیر تأمین منافع ملی‌مان اقدام خواهیم کرد.»

شروط ۵گانه ایران برای مذاکره به‌روایت سردار جعفری

این درحالی است که روز گذشته سردار محمدعلی جعفری، فرمانده پیشین سپاه به تشریح شروط پنج‌گانه و خطوط قرمز جمهوری اسلامی برای هرگونه مذاکره احتمالی پرداخته و از سایر گزارش‌های فارس گفته «پاسخ ایران به آمریکا بر مبنای این پیش‌شرط اصلی که دقیقاً همان مطالبات حقه و طبیعی جمهوری اسلامی ایران است تنظیم شده و تا زمانی که این پیش‌شرط‌ها متحقق نشوند، مذاکراتی انجام نخواهد شد.» او این شروط را «حداقل انتظارات یک ملت مقتدر» خواند و گفت: «تصمیم نظام در این شرایط حساس، همان پیش‌شرط‌های اساسی پنجگانه برای ورود به هر نوع مذاکره احتمالی است. یعنی تا زمانی که جنگ در همه جبهه‌ها پایان نیافته، تحریم‌ها برداشته نشده، پول‌های بلوکه‌شده آزاد نگشته، خاک‌های ناشی از جنگ جانی نمانده و حقوق کارکنان ایران بر تنگه هرمز به رسمیت شناخته نشده باشد، هیچ مذاکره دیگری در کار نیست.»

گروه سیاسی – سرانجام پس از چند روز

بحث و بررسی درباره آخرین طرح پیشنهادی ایالات‌متحده برای پایان دادن به جنگ و دستیابی به توافق صلح، حوالی بعدازظهر یکشنبه بود که ابتدا خبرگزاری دولت جمهوری اسلامی از ارسال پاسخ ایران به این طرح پیشنهادی از طریق طرف پاکستانی خبر داد. ایرنا بدون اشاره به جزئیات پاسخ تهران به طرح پیشنهادی واشنگتن، صرفاً تاکید کرد که «براساس طرح پیشنهادی، مذاکرات در این مرحله بر موضوع خاتمه جنگ در منطقه متمرکز خواهد بود.» حال آنکه ساعتی بعد، ایسنا نیز در خبری در ارتباط با ارسال پاسخ ایران به آمریکا از طریق میانجیگر پاکستانی، تاکید کرد که تمرکز اصلی پاسخ ایران به طرح پیشنهادی آمریکا که «خاتمه جنگ» و «امنیت دریانوردی» در خلیج فارس و تنگه هرمز است. همچنین حوالی غروب یکشنبه نخست‌وزیر پاکستان نیز با تایید خبر دریافت پاسخ ایران تاکید کرد که اسلام‌آباد پاسخ تازه جمهوری اسلامی را دریافت کرده است. شهپاز شریف همچنین بر تعهد پاکستان برای ادامه تلاش‌های صادقانه جهت رسیدن به صلح پایدار تاکید کرد و با استناد به اولین دور مذاکرات اسلام‌آباد و نقش آفرینی پاکستان در برقراری آتش‌بس موقت کنونی میان ایران و آمریکا گفت: «با اشتیاق و عزم واضح و تکیه‌ی برقراری صلح در همسایگی خود و کمک به امنیت پایدار در منطقه و جهان هستیم.» نخست‌وزیر پاکستان بیان کرد که «فیلد مارشال عاصم منیر فرمانده ارتش تایید کرده که ما پاسخ تازه ایران را دریافت کرده‌ایم.»

واکنش فوری ترامپ به پاسخ تهران

هنوز اما ساعاتی از انتشار این اخبار نگذشته بود که کم‌کم شاهد شکل‌گیری روزه‌های امیدوی هرچند کم‌مسو نسبت‌به احتمال کاهش سطح تنش و ازسرگیری مذاکرات ایران و آمریکا بودیم که دودالل ترامپ به پاسخ ایران به طرح پیشنهادی ۱۴ ماده‌ای خود واکنش نشان داد و در پیامی مختصر و البته صریح در شبکه اجتماعی تورت‌سوشال نوشت: «من همین الان پاسخ به اصطلاح «تعمیادگان» ایران را خواندم. این را دوست ندارم؛ کاملاً غیرقابل قبول است! از توجه شما به این موضوع سپاسگزارم.» رئیس‌جمهور ایالات متحده که شامگاه یکشنبه به وقت تهران، در جریان یک گفت‌وگوی کوتاه با وسایط آکسیوس نیز بار دیگر بر موضع خود در مخالفت با پاسخ ایران تاکید کرد، بار دیگر زبان به تهدید نظامی علیه ایران گشود. آکسیوس در حالی اعلام کرد «ترامپ در این مصاحبه کوتاه مشخص نکرده که آیا قصد ادامه مذاکرات را دارد یا به‌طور بالقوه گزینه اقدام نظامی را انتخاب می‌کند» که در ادامه تاکید کرد که رئیس‌جمهور ایالات متحده اصرار دارد که او تنها کسی است که درباره ازسرگیری مذاکرات تصمیم‌گیری خواهد کرد. ترامپ که مشخصاً به پرسشی درخصوص واکنش و نظر بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل در رابطه با پاسخ ایران پاسخ می‌داد، با اشاره به اینکه «با نتانیاهو درباره ایران گفت‌وگو کردم.» گفت: «این که تماس بسیار خوب بود و ما رابطه خوبی داریم.» هرچند ترامپ بلافاصله تاکید کرد که «مذاکرات ایران مسوولیت من است، نه هیچ‌کس دیگر.»

تهدید ایران به حمله نظامی در آستانه سفر ترامپ به پکن

رئیس‌جمهور آمریکا در سخنانی که در جریان گفت‌وگوی خود با مجله خبری-تحقیقاتی «فول

میجر» (اندازه‌گیری کامل) که بر مسائل و امور سیاسی در ایالات متحده و جهان متمرکز است و به‌صورت هفتگی تهیه و بخش می‌شود، بار دیگر بر ضرورت خروج اورانیوم غنی‌شده از ایران تاکید کرد و مدعی شد که «آمریکا محل ذخیره اورانیوم ایران را می‌داند و اگر کسی به آن نزدیک شود، منجرش می‌کند!» رئیس‌جمهور ایالات متحده در بخش دیگری از این مصاحبه با خانم شریل اتکینسون روزنامه‌نگار تحقیقی، درباره چگونگی پایان دادن به جنگ توضیح داد و گفت: «می‌توانیم دو هفته دیگر به ایران حمله کنیم و تکتک اهداف باقیمانده را بزنییم!»

ادعایی که بلافاصله پس از انتشار، به یکی از سوزهای جدی رسانه‌ای تبدیل شد و برخی ناظران نیز با اشاره به بازه زمانی حدودی که ترامپ به‌عنوان زمان احتمالی ازسرگیری حملات به ایران مطرح کرده بود، مدعی شدند که احتمالاً منظور ترامپ از اعلام این بازه زمانی این است که اگر بنابر مطرح مجدد نظامی باشد، این حملات پس از بازگشت او از پکن انجام خواهد گرفت آن‌هم در حالی که روز گذشته سخنگوی وزارت امور خارجه چین با اشاره به سفر روزهای پیش‌روی رئیس‌جمهور آمریکا به پکن گفت: «دودالل ترامپ از ۱۳ تا ۱۵ مه (۲۵ تا ۲۷ اردیبهشت‌ماه) در یک سفر رسمی به چین خواهد شد. این سفر در پی واکنش‌های آمریکا به «تهدیدات و اقدامات متناقضانه» موضوعی که برای خیر، ثبات و امنیت منطقه بود.» او با تاکید بر اینکه تلاش برای برقراری تردد امن در تنگه هرمز و برقراری صلح و امنیت در کل منطقه، نه زایدخواهانه است و نه غیرمسئولانه، از اینکه طرف آمریکایی کماکان براساس ذهنیت‌هایی که ساخته و پرداخته رژیم صهیونیستی است، بر دیدگاه یک‌سویه و خواسته‌های نامعقول خود پافشاری می‌کند، ابراز تاسف کرد و در پاسخ به پرسشی دیگر مبنی بر اینکه مقام‌های آمریکایی، ایران را «قلدر منطقه» و عامل ناامنی معرفی می‌کنند، گفت: «ایران یک بازیگر مسوولیت‌پذیر در منطقه است؛ ما قلدر نیستیم بلکه قلدرستیز هستیم.»

اختلاف‌نظر تهران و واشنگتن به‌روایت بقائی

بقائی در بخش دیگری از این نشست مطبوعاتی به پرسشی درباره محتوای پیشنهاد ایران به آمریکا نیز پاسخ داد و گفت: «ما قبلاً هم گفته بودیم که در این مرحله تمرکز ما بر چیزی است که فوریت دارد و آن خاتمه جنگ در همه جبهه‌ها به شمول لبنان و تأمین ایمنی و امنیت دریانوردی در خلیج فارس و تنگه هرمز و همزمان توقف اقدامات خلاف قانون و راهزنی دریایی آمریکا علیه کشتی‌های تجاری است.» او گفت: «این یک امر بسیار مسوولانه و معقول است که در وضعیتی که با آن مواجه هستیم، اولویت‌ها را ببینیم و برای حل و فصل

واکنش بقائی به رد پاسخ تهران ازسوی ترامپ

در شرایطی که اما واکنش کوتاه ترامپ در مخالفت با پاسخ تهران، با واکنش‌های متعددی مواجه شد، صبح روز گذشته اسماعیل بقائی در نشست هفتگی خود با خبرنگاران به موضوع‌گیری اخیر ترامپ که پس از گفت‌وگوی تلفنی با نتانیاهو، پاسخ ایران را «ناکافی» و «غیرقابل قبول» خوانده، واکنش نشان داد و در پاسخ به این پرسش که ایران چه امتیازاتی را مطالبه کرده بود که آمریکایی‌ها با آن مخالفت کردند، گفت: «ما هیچ امتیازی را، مطالبه نکردیم؛ تنها چیزی که مطالبه کردیم، حقوق مشروع ایران است.» سخنگوی دستگاه دیپلماسی با انتقاد از آنچه «زیاده‌خواهی‌های آمریکا» خواند، توضیح داد: «پیشنهاد ما مبتنی بر این بود که در تنگه هرمز تردد ایمن صورت بگیرد. آنچه ما در متن پیشنهادی خود مطرح کردیم، خواسته‌های معقول و مسوولانه‌ای بود و همچنین پیشنهادت سخاوتمندانه؛ موضوعی که برای خیر، ثبات و امنیت منطقه بود.» او با تاکید بر اینکه تلاش برای برقراری تردد امن در تنگه هرمز و برقراری صلح و امنیت در کل منطقه، نه زایدخواهانه است و نه غیرمسوولانه، از اینکه طرف آمریکایی کماکان براساس ذهنیت‌هایی که ساخته و پرداخته رژیم صهیونیستی است، بر دیدگاه یک‌سویه و خواسته‌های نامعقول خود پافشاری می‌کند، ابراز تاسف کرد و در پاسخ به پرسشی دیگر مبنی بر اینکه مقام‌های آمریکایی، ایران را «قلدر منطقه» و عامل ناامنی معرفی می‌کنند، گفت: «ایران یک بازیگر مسوولیت‌پذیر در منطقه است؛ ما قلدر نیستیم بلکه قلدرستیز هستیم.»

بقائی در پاسخ به پرسشی دیگر درباره مهم‌ترین اختلافات ایران و آمریکا و همچنین احتمال ازسرگیری مذاکرات در آینده نزدیک گفت: «بین طرفی که صرفاً دنبال حقوق بنیادین خود است و طرفی که بر ترسیع حقوق طرف مقابل اصرار دارد، اختلاف نظر وجود دارد ما درباره ردوبدل کردن امتیاز صحبت نمی‌کنیم. آزاد کردن پول‌های بلوکه شده ایران امتیازی نیست که آمریکا خواهد به مردم ایران بدهد؛ این یک مطالبه و حق است و در رابطه با بحث توقف آنچه تحت عنوان «محاصره دریایی» از آن نام می‌برند، توقف یک اقدام خلاف قانون است و امتیازی نیست که به ایران بدهند.»

تاکید بقائی بر ادامه نقش آفرینی پاکستان به‌عنوان میانجی

بقائی که تاکید کرده سفر ترامپ به چین، یک سفر دو جانبه است و مسائلی که در جریان دیدارهای مطرح می‌شود، به خودشان مربوط است، به آنچه درخصوص احتمال میانجیگری برخی بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی همچون قطر و چین مطرح شده نیز واکنش نشان داد و با تاکید بر روابط نزدیک تهران با پکن و دوحه تصریح کرد: «میانجی مذاکرات ایران و آمریکا همچنان پاکستان است.» سخنگوی وزیر امور خارجه با تاکید بر اینکه «بسیاری از کشورها با ما تماس می‌گیرند و به‌طور کلی در تماس هستند» گفت: «در عین حال کشورهای منطقه نگرانی‌های واقعی نسبت‌به تشدید تنش‌ها در منطقه دارند و ما قدران طرف‌ها و کشورهای هستیم که با حسن‌نیت از تمامی مساعی جمیله خود برای مجاب کردن طرف‌های مقابل جهت

«جهان‌صنعت» از آخرین واکنش‌های اعتراضی به انسداد اینترنت گزارش می‌دهد

اینترنت ۶ میلیونی پس از ۷۴ روز «خاموشی دیجیتال»

به‌عنوان موتور جست‌وجوی اصلی در حوزه پزشکی شناخته می‌شود، این سایت در ماه گذشته به جز چند روز مسدود بوده است.» وزیر بهداشت بر این اساس خواستار صدور دستورهای لازم جهت رفع محدودیت و دسترس‌پذیر کردن این موتور جست‌وجو شده است. اما در حالی شاهد ادامه اعتراض‌ها به تداوم انسداد اینترنت هستیم که تبلیغات مربوط به فعال‌سازی اینترنت پررو در تلگرام، اینستاگرام و گروه‌های مختلف مجازی به شدت افزایش پیدا کرده و در این میان برخی افراد مدعی شده‌اند که می‌توانند روی سیم‌کارت کاربران، اینترنتی فعال کنند که بدون نیاز به فیلترشکن، دسترسی کامل به اینترنت را فراهم می‌کند.

آن‌طورکه وسایط دیده‌بان ایران گزارش داده، در این تبلیغات گفته می‌شود کاربران بعد از فعال‌سازی می‌توانند بدون VPN به سرویس‌هایی مثل تلگرام، اینستاگرام، واتساپ و سایت‌های خارجی متصل شوند آن‌هم عین قبل. این در حالی است که بنابر متن آگهی‌ها، برای نام‌نویسی تنها دو مورد لازم است؛ شماره سیم‌کارت و کد ملی مالک سیم‌کارت!

نکته قابل‌توجه اینجاست که فروشندگان تاکید می‌کنند که به هیچ مدرک شغلی نیاز ندارند و خودشان فرآیند ثبت و احراز هویت شغلی را انجام می‌دهند. این در حالی است که در یکی از این آگهی‌ها، هزینه اولیه فعال‌سازی ۳ میلیون و ۸۰۰هزار تومان اعلام شده است. فروشندگان می‌گویند این مبلغ مربوط به دستمزد و مدرک

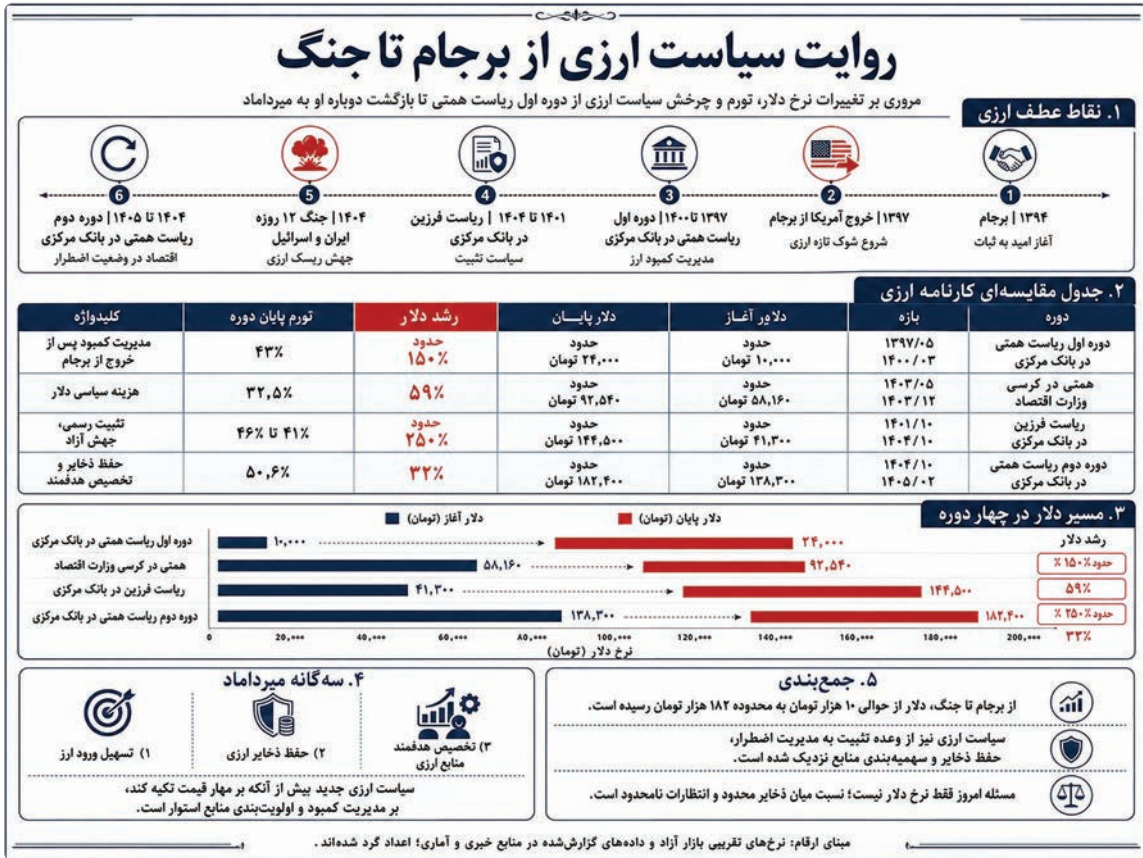
جهان صنعت

فاوای اتاق بازرگانی ایران گفته که بنابر صحبت‌های انجام شده، با خروج از شرایط بحرانی، دسترسی به اینترنت قطعا به حالت عادی باز خواهد گشت. علی مسعودی در این رابطه با وسایط سینتا گفت‌وگو می‌کرد، در پاسخ به پرسشی درباره سرسروش دسترسی مردم به شبکه جهانی در صورت طولانی شدن شرایط جنگی گفته است: «صولا فارغ از هر نوع نگرشی، طبق صحبت‌هایی که شده، اینترنت در شرایط عادی قطعا وصل خواهد شد اما درباره اینکه اگر این وضعیت ادامه‌دار باشد چه اتفاقی می‌افتد، باید بگویم ما تا به حال تجربه چنین شرایط طولانی‌مدتی را نداشته‌ایم که سناریوی آماده‌ای برای آن در ذهن داشته باشیم. باید ببینیم مراجع تصمیم‌گیر با چه نقشه‌راهی می‌خواهند از این موضوع استقبال یا آن را مدیریت کنند. واقعیت این است که به‌عنوان یک مصرف‌کننده، ذهنیتی از برنامه‌های آتی ندارم چون دفعات مکرری نبوده که با چنین انسداد طولانی‌مدتی مواجه شویم، اما قطعاً مسوولان این حوزه باید بنا بر شرایط تصمیم بگیرند.»

رئیس کمیسیون فاوای اتاق ایران که صراحتاً از مخالفت خود با انسداد اینترنت به‌بهانه امنیتی پرده برداشته، با تاکید بر موضع همیشگی بخش خصوصی در مخالفت با اولویت‌بندی در دسترسی خاطر نشان کرد: «ما با هرگونه دسترسی براساس اولویت‌بندی، نوبتی یا صفی کلا مخالفیم. نباید بین کسی که به‌صورت معمول استفاده می‌کند با کسی که به دنبال دسترسی ویژه است، تبعیض وجود داشته باشد.» مسعودی تصریح کرد: «همه در این کشور زندگی می‌کنند و هزینه‌های تورم را می‌پردازند بنابراین اینترنت نباید به یک دغدغه جانبی یا دقت و سرعت مانع تبدیل شود. مدل‌های فعلی از نظر ما موقتی است و در درازمدت به هیچ‌وجه جایگو نخواهد بود.»

«جهان صنعت» اهداف برنامه‌های همتی برای حفظ ذخایر را بررسی می‌کند

سه‌گانه متناقض ارزی



اینجاست که «ثبات نسبی» معنای پیچیده‌ای پیدا می‌کند. بانک مرکزی ممکن است بتواند مسیر واردات کالاهای اساسی را تاحدی حفظ کند اما بازار آزاد به‌جیز دیگری نگاه می‌کند؛ آینده جنگ، سرنوشت آتش‌بس، مسیر انتقال ارز، درآمدهای نفتی، امکان فروش و وصول منابع و میزان اعتماد مردم به‌ریال. اگر این متغیرها مهم بمانند حتی قوی‌ترین بیانیه‌های بانک مرکزی نیز نمی‌توانند انتظارات را مهار کنند.

بنابراین سخنان دیروز همتی را باید نشانه ورود سیاست ارزی به‌فاز اضطراری دانست؛ فزاری که در آن بانک مرکزی بیش از آنکه بازیگر بازار باشد نگهدارنده ذخایر و اولویت‌هاست. این‌وضیعت شاید در کوتاه‌مدت از کمبود کالاهای حیاتی جلوگیری کند اما یک خطر جدی هم دارد: اگر سیاست اضطراری طولانی شود اقتصاد به‌زندگی با کمبود، صف، سهمیه و نرخ‌های چندگانه عادت می‌کند؛ عادتی که هزینه‌اش را نه دلان بلکه تولیدکننده و مصرف‌کننده می‌پردازند.

جیره‌بندی ارزی؟ «تخصیص هدفمند منابع ارزی» در ظاهر عبارتی فنی، آرام و قابل دفاع است. چه کسی می‌تواند با اولویت‌دادن به کالاهای ضروری خنوار و مواد اولیه تولید مخالفت کند؟ در شرایطی که جنگ، تحریم، اختلال در مسیرهای تجاری و نااطمینانی سیاسی دست‌رسی به‌ارز را دشوار کرده طبیعی است که بانک مرکزی بخواهد منابع محدود را به‌مهم‌ترین نیازها اختصاص دهد اما مساله از جایی آغاز می‌شود که همین عبارت زیبا در عمل به‌سازوکاری برای سهمیه‌بندی، صف، رانت و حذف بخشی از تقاضا تبدیل شود.

تجارت خارجی است یا بهانه‌ای طلایی برای توضیح‌دادن ناآرامی‌های مزمن سیاست ارزی؟ تجربه سال‌های گذشته پاسخ ساده‌ای نمی‌دهد. در دوره اول همتی دلار از محدوده حدود ۱۰ هزار تومان به‌حوالی ۲۴ هزار تومان رسید. در دوره ثانی اقتصاد او نیز افزایش نرخ از بهیگی از محورهای اصلی فشار سیاسی و استیضاح تبدیل شد. در دوره فرزین سیاست تثبیت رسمی توانست جلوی جهش بازار آزاد را بگیرد. و حالا در بازگشت دوباره همتی دلار آزاد و تورم بالا بار دیگر نشان می‌دهند که شکاف میان روایت رسمی و تجربه روزمره مردم عمیق‌تر از آن است که با چندکلیدواژه آرام شوک‌گزارش پیش‌رو روایت همین شفاف است؛ شکاف میان تئوری‌های زیبای میرداماد و واقعیت‌های خشن بازار، میان ذخایر محدود و انتظارات نامحدود و میان بانکی که وعده ثبات می‌دهد و دلاری که هنوز بیانیه بانک مرکزی را باور نمی‌کند.

میرداماد در وضعیت جنگی بانک مرکزی معمولا دوست دارد با زبان عدد، نرخ، عرضه‌وتقاضا سخن بگوید اما سخنان تازه عبدالناصر همتی نشان می‌دهد سیاست‌های دیگر صرفا در موقعیت سیاست‌گذاری پولی نبوده بلکه در وضعیت جنگی ایستاده است. وقتی رییس کل بانک مرکزی از «محدودیت‌های تجاری و مبادلات ارزی ناشی از جنگ» حرف می‌زند و هم‌زمان بر حفظ ذخایر ارزی تأمین واردات ضروری و محدودسازی مصارف ارزی تأکید می‌کند معنای روشن آن این است که بازار ارز از سطح یک بازار اقتصادی فراتر رفته و به‌بخشی از مدیریت بحران ملی تبدیل شده است.

در چنین فضایی اولویت بانک مرکزی دیگر این نیست که به‌همه تقاضاهای ارزی پاسخ دهد یا با تزریق سنگین ارز بازار آزاد را موقتا آرام کند. اولویت اصلی زنده‌نگه‌داشتن مسیرهای حیاتی اقتصاد است؛ تأمین کالاهای ضروری خنوار، مواد اولیه تولید، دارو، نهاده‌ها و نیازهایی که نبودشان مستقیما به‌سفره مردم و استمرار تولید ضربه می‌زند. این تغییر اولویت از نگاه سیاستگذار شاید عقلانی و حتی تاریخی باشد زیرا در شرایط جنگی هر دلار ذخیره‌شده می‌تواند در روزی حساس‌تر به کار آید اما همین منطق برای بازار آزاد یک‌پایم دیگر دارد: دسترسی به‌ارز محدودتر شده و بانک مرکزی قصد ندارد منابع خود را صرف پاس‌خگویی به‌همه تقاضاها کند.

در سخنان رییس کل بانک مرکزی سه‌واژه بیش از همه اهمیت دارد: ورود ارز، حفظ ذخایر و تخصیص هدفمند. روی کاغذ این سه‌گانه کامل و منسجم به‌نظر می‌رسد. اگر ارز بیشتری وارد کشور شود فشار بازار کاهش می‌یابد، اگر ذخایر ارزی حفظ شود بانک مرکزی برای روزهای سخت دست خالی نمی‌ماند و اگر منابع ارزی هدفمند تخصیص یابد کالاهای ضروری خنوار و مواد اولیه تولید در اولویت قرار می‌گیرند اما واقعیت بازار ارز ایران

معمولا به‌سادگی تئوری‌های میرداماد نیست. مشکل نخست این است که این تسهیل ورود ارز نیازمند مسیرهای تجاری و بانکی فعال اعتماد صادرکننده به‌سیاست ارزی و امکان بازگشت منابع است اما در فضای جنگ و تحریم همین مسیرها پر هزینه، پرریسک و گاه مسدود می‌شوند. از سوی دیگر حفظ ذخایر یعنی بانک مرکزی باید در عرضه ارز محتاط باشد و از تزریق غیرمستقیم برای کنترل بازار آزاد پرهیز کند. این احتیاط برای سیاستگذار عقلانی است اما برای بازار می‌تواند به‌معنای کمبود عرضه تعبیر شود. در نهادهای تولید و مصرف هدفمند یعنی دولت و بانک مرکزی باید میان تقاضاهای مختلف داوری کنند؛ داوری‌ای که اگر شفاف نباشد به‌رانت و نارضایتی ختم می‌شود.

به بیان ساده بانک مرکزی می‌خواهد هم ارز وارد شود، هم ذخایر مصرف نشود، هم نیازهای ضروری تأمین شود و هم بازار آرام بماند. این ترکیب روی کاغذ جذاب است اما در اقتصاد پرریسک ایران با تورم بالا، کسری بودجه، تحریم، جنگ و بی‌اعتمادی عمومی اجرای آن بسیار دشوار است. بازار آزاد به‌وعده‌ها نگاه نکرده بلکه به‌دسترسی واقعی به‌ارز، روند تورم، آینده سیاسی و رفتار روزانه سیاستگذار نگاه می‌کند. اگر فعال اقتصادی احساس کند فرآیند ارز گران‌تر خواهد شد برنامه خود را جلو می‌اندازد. اگر خنوار نگران کاهش ارزش ریال باشد بخشی از پس‌انداز خود را به‌دلار، طلا یا دارایی‌های جایگزین تبدیل می‌کند. این رفتارها حتی اگر از نظر سیاستگذار مخرب باشد از نظر مردم واکشی سیاسی است.

بنابراین سه‌گانه میرداماد با یک آزمون سخت روبه‌رو است. آیا می‌تواند میان حفظ ذخایر و آرام‌سازی انتظارات تعادل برقرار کند؟ اگر بانک مرکزی پیش‌از حد از تزریق نقد ذخایر آسیب ببیند، اگر بیش از حد خوشبین‌دار باشد بازار آزاد شله‌ور می‌شود. اگر تخصیص هدفمند را بدون شفافیت اجرا کند رانت شکل می‌گیرد. اگر همه چیز را به‌بازار بسپارد کالاهای اساسی و تولید آسیب می‌بینند. این همان نقطه‌های است که تئوری‌های زیبا به‌واقعیت‌های خشن برخورد می‌کنند؛ جایی که سیاستگذار میان انتخاب‌های خوب و بد بیست بلکه میان گزینه‌های پر هزینه و پرهزینه‌تر دست‌بند انتخاب می‌زند.

کارنامه همتی؛ از رکوردشکنی در میرداماد تا استیضاح در باب همایون عبدالناصر همتی از آن چهره‌هایی است که مامش در اقتصاد ایران با روزهای عادی گره نخورده است. او هر بار در لحظه‌ای وارد میدان شده که بازار از ریز فشار بوده و سیاستگذار میان کمبود منابع، فشار سیاسی و انتظار عمومی برای ثبات رییس‌بندی است. دور اول ریاست او بر سر بانک مرکزی در مرداد ۱۳۹۷ آغاز شد یعنی درست پس از خروج آمریکا از برجام، بازگشت تحریم‌ها و قفل‌شدن بخش مهمی از

مسیرهای ارزی کشور. در آن زمان دلار در بازار آزاد حدود ۱۰ تا ۱۱ هزار تومان بود و هنگام خروج او از بانک مرکزی به‌حوالی ۲۴ هزار تومان رسید. حامیان همتی می‌گویند او در یکی از سخت‌ترین دوره‌های ارزی از تخلیه بی‌محابای به‌سیاست ارزی و اقتصاد را از شوک‌های بزرگ‌تر عبور داد. منتقدان اما می‌گویند نتیجه نهایی برای مردم کاهش قدرتش دلار، تورم سنگین و این دورروایت هر دو بخشی از واقعیت هستند. نه در اقتصاد عادی بانک مرکزی را تحویل گرفت و نه با ابزارهای کامل سیاستگذاری کار کرد اما واقعیت دیگر این است که در حافظه عمومی کارنامه بانگذاران مرکزی نه توضیح محدودیت‌ها بلکه با عدد دلار و نرخ تورم سنجنده می‌شود. از نگاه خنوار اینکه دلار به‌دلیل تحریم، کرونا، کسری بودجه یا نااطمینانی سیاسی بالا رفتی تفاوت زیادی در نتیجه نهایی ندارد بلکه هزینه آن در قیمت دلار، اجاره، دارو و سفره روزانه ظاهر می‌شود. مرحله دوم کارنامه همتی وزارت بودجه بود؛ جایی در باب همایون که او دیگر مستقیما رییس بانک مرکزی نبود اما با سیاسی دلار، همچنان روی دوش او افتاد. در دوره وزارت او رشد نرخ ارز به‌یگی از محورهای اصلی حمله سیاسی تبدیل شد و در نهایت استیضاح نشان‌دهنده بی‌ثباتی بود. در مجلس پیش از هر چیز با همین اوستادها معنا پیدا کرد. اینجا تناقضی مهمی آشکار شد: وزیر اقتصاد بابت دلاری بازخواست شد که بخش بزرگی از سازوکار آن در اختیار بانک مرکزی، سیاست خارجی، بودجه دولت و فضای انتظارات بود.

اکنون همتی بار دیگر به‌میرداماد بازگشته اما این بار کارنامه گذشته همچون سایه‌ای پشت سر او حرکت می‌کند. اگر در دور اول می‌گفت تحریم کمبود ارز اجازه ثبات پایدار نداد در دور جدید باید توضیح دهد که سیاست حفظ ذخایر و تخصیص هدفمند چگونه قرار است از تکرار همان تجربه جلوگیری کند. بازگشت همتی بازگشت یک فرد نبوده بلکه بازگشت پرسشی قدیمی است: در اقتصاد ایران رییس بانک مرکزی مدیر بحران است یا مسئول گرانی دلار؟

از تثبیت فرزین تا اضطرار همتی محمدرضا فرزین با کلیدواژه «تثبیت» وارد بانک مرکزی شد. سیاست او بر این ایده استوار بود که بازار رسمی باید از تلاطم بازار آزاد جدا، نرخ‌های تجاری مدیریت، ارز کالاهای اساسی و نیازهای ضروری تأمین شده و با راه‌اندازی سازوکارهایی مانند مرکز مبادله مرجعیت قیمت از خیابان و بازار غیررسمی به‌نهادهای منتقل شود. در ظاهر این نسخه فرار بود از جهش‌های روانی دلار جلوگیری کند و به‌فعالان اقتصادی غلامت ثبت بدهد اما در عمل شکاف میان نرخ رسمی و نرخ آزاد نه‌تنها تمام فشار ارزی را به‌جنگ نسبت دهد در واقع بخشی از واقعیت را می‌گوید و بخشی دیگر را پنهان می‌کند.

همین‌جاست که تیغ نقد باید دوبله باشد. از یک‌سو نمی‌توان از بانک مرکزی انتظار داشت در شرایط جنگی مثل روزهای عادی رفتار کند. حفظ ذخایر، اولویت‌دادن به کالاهای حیاتی و محدودسازی مصارف غیرضروری در چنین وضعیتی می‌تواند تصمیمی عقلانی باشد. از سوی دیگر نباید اجازه داد جنگ به «بهانه طلایی» برای فرار از پاسخگویی تبدیل شود. سیاست ارزی ایران سال‌هاست از نبود شفافیت، تعدد نرخ‌ها و تصمیم‌های کوتاه‌مدت آسیب دیده است. جنگ این ضعف‌ها را تشدید می‌کند اما جای توضیح آنها را نمی‌گیرد بازار آزاد نیز دقیقاً همین تمایز را می‌فهمد. اگر جنگ موقت باشد اما سیاست‌ها شفاف، منابع قابل اتکا و انتظارات مدیریت‌شده باشند شوک ارزی می‌تواند محدود بماند اما اگر آتش‌بس میهم باشد، مسیرهای ارزی نامطمئن بماند و سیاستگذار فقط با واژه‌های کلی سخن بگوید جنگ به‌نقطه آغاز موج تازه‌ای از بی‌اعتمادی تبدیل می‌شود.

در نهایت پرسش اصلی این نیست که جنگ اتا در انداز دارد یا ندارد بلکه پرسش این است که بانک مرکزی در چه مقدار از بحران را مدیریت کرده و چه مقدار از آن را پشت بانه می‌کند. فرزین و همتی هر دو سیاست‌های مشابهی می‌تواند بکارند اما اگر آتش‌بس میهم باشد، مسیرهای ارزی نامطمئن بماند و سیاستگذار فقط با واژه‌های کلی سخن بگوید جنگ به‌نقطه آغاز موج تازه‌ای از بی‌اعتمادی تبدیل می‌شود.

سندرم دست‌های بسته بانک مرکزی در ایران اغلب با دست‌هایی بسته وارد میدان می‌شود اما مساله اینجاست که این دست‌های بسته سال‌هاست به‌بخشی از روایت رسمی سیاستگذاری تبدیل شده است. رییس کل بانک مرکزی می‌تواند بگوید جنگ مسیرهای مبادله را دشوار و تحریم انتقال پول را پرهزینه کرده، کسری بودجه بر پایه پولی فشار آورده، دولت ارز ارزان برای کالاهای اساسی می‌خواهد و جامعه هم انتظار دارد دلار مهار شود. همه اینها درست است اما درست‌بودن محدودیت‌ها به‌معنای کافی بودن پاسخ‌ها نیست.

«سندرم دست‌های بسته» یعنی سیاستگذار مدام توضیح می‌دهد چرا نمی‌تواند همه کارها را انجام دهد اما کمتر روشن می‌کند دقیقاً چه کاری به‌تر از به‌تر از گذشته انجام خواهد داد. بانک مرکزی نه اختیار کامل بودجه را دارد، نه سیاست خارجی را تعیین می‌کند و نه می‌تواند مسیر تحریم‌ها را باز کند. با این حال همین نهاد مسئول مدیریت انتظارات، تنظیم بازار، کنترل اضافه‌برداشت بانک‌ها، نظارت بر تخصیص ارز و شفاف‌سازی سیاست ارزی است. اگر این ابزارها هم مهم، ناپایدار یا غیرشفاف باشند دست‌های بسته به‌سیر دفاعی دائمی تبدیل می‌شود.

سایه جنگ؛ شوک واقعی یا بهانه طلایی؟ جنگ برای بازار ارز یک خبر معمولی نیست بلکه ضربه‌ای مستقیم به‌انتظارات، تجارت، حمل‌ونقل، بیمه، فروش نفت، مسیرهای انتقال پول و رفتار خانوارهاست. در کشوری که اقتصاد آن سال‌ها زیر فشار تحریم و محدودیت‌های بانکی بوده حتی شایعه درگیری نظامی می‌تواند هزینه مبادله را بالا ببرد، صادرکننده را محتاط کند، واردکننده را نگران‌تر کرده و خانوار را به‌سمت دارایی‌های امن‌تر هل دهد. بنابراین وقتی بانک مرکزی از محدودیت‌های تجاری و مبادلات ارزی ناشی از جنگ سخن می‌گوید نمی‌توان آن را صرفا توجیه اداری دانست. جنگ واقعا شوک ارزی تولید می‌کند اما مساله اینجاست که جنگ تنها عامل بحران نیست. بازار ارز ایران بیش از جنگ هم با زخم‌های عمیق زندگی می‌کند: تورم مزمن، کسری بودجه، رشد نقدینگی، چندنرخ‌سازی، شکاف میان نرخ رسمی و آزاد، محدودیت بازگشت از صادراتی و بی‌اعتمادی عمومی به‌آینده ریال. جنگ روی این زخم‌ها نمک می‌پاشد اما همه آنها را ایجاد نکرده است. نرخ آزاد تنها تمام فشار ارزی را به‌جنگ نسبت دهد در واقع بخشی از واقعیت را می‌گوید و بخشی دیگر را پنهان می‌کند.

باقی می‌ماند؛ اگر نظارت دقیق نباشد واردکننده از ترجیحی می‌گیرد، کالا را با تأخیر وارد کرده، بخشی از آن را احتکار می‌کند یا نهایتا محصول را با قیمتی نزدیک به‌نرخ آزاد می‌فروشد. در چنین وضعیتی دولت یارانه را می‌پردازد، ذخایر ارزی مصرف می‌شود اما خانوار همچنان کالای گران می‌خرد.

معمای سیاست ارزی دقیقاً همین‌جاست: سیاستگذار می‌خواهد با ارز ارزان از معیشت حمایت کند اما اگر سازوکار تخصیص شفاف نباشد همان سیاست حمایتی به‌کارخانه تولید رانت تبدیل می‌شود. هر قدر فاصله نرخ رسمی و آزاد بیشتر باشد انگیزه برای گرفتن مجوز، دورزدن مقررات، بیش‌اظهاری واردات، کم‌اظهاری صادرات یا فروش کالا با قیمت آزاد بیشتر می‌شود. در نتیجه سیاسی که قرار بود فشار تورمی را کم کند خودش به‌یگی از منابع بی‌عدالتی و بی‌اعتمادی تبدیل می‌شود.

در شرایط جنگی این مساله حساس‌تر است. بانک مرکزی می‌گوید ارز باید به کالاهای ضروری خنوار و مواد اولیه تولید برسد.

این تصمیم در اصل قابل دفاع است زیرا نمی‌توان منابع محدود را بی‌اولویت خرج کرد اما سوال مهم‌تر این است که چه نهادی تضمین می‌کند کالایی که با ارز ارزان وارد شده واقعا با قیمت مناسب به‌دست مردم می‌رسد؟ چه اطلاعاتی درباره دریافت‌کنندگان ارز منتشر می‌شود؟ چه زمانی میان تخصیص ارز و ورود کالا فاصله می‌افتد و چه برخوردی با استیضاح انجام می‌شود؟ آیا پاسخ این پرسش‌ها روشن نباشد «تخصیص هدفمند» فقط نام محترمانه‌تری برای همان چرخه قدیمی خواهد بود: ارز ارزان در ابتدای دوره، کالای گران در انتهای زخم‌ها و مردمی که نه از یارانه ارزی بهره کامل می‌برند و نه از بازار آزاد ران می‌مانند.

این همان معمای تکراری سیاست ارزی ایران است؛ معمایی که هر دولت با نام تازه‌ای آن را آغاز می‌کند و جامعه با قیمت‌های بالاتر نتیجه‌اش را می‌بیند.

ذخایر محدود و انتظارات نامحدود

مساله ارز در ایران فقط مساله چند میلیارد دلار ذخیره یا چند نرخ رسمی غیررسمی نبوده بلکه مساله نسبت میان واقعی تقاضا و انتظارات جامعه است. بانک مرکزی می‌خواهد ذخایر ارزی را حفظ کرده، واردات ضروری را تأمین کند، تولید را سرپا نگه دارد، بازار آزاد را آرام کند و هم‌زمان به‌مردم پیام مثبت بدهد اما در برابر این مأموریت‌ها واقعیتی ایستاده که ساه عقب نمی‌نشیند: تورم بالا، جنگ، تحریم، بی‌اعتمادی و تجربه طولانی کاهش ارزش پول ملی.

همتی امروز از حفظ ذخایر و تخصیص هدفمند سخن می‌گوید؛ عباراتی که در شرایط بحران می‌تواند مفید باشد اما این سیاست فقط عقلانی نباشد. زمانی به‌ثبات می‌رسد که مردم باور کنند محدودیت‌ها موقتی، قواعد شفاف هزینه‌ها عادلانه توزیع می‌شود، جامعه احساس کند ذخایر حفظ می‌شود و رانت تخصیص محدود می‌شود و دولت قرار نیست هزینه کسری‌هایش را از جیب ارزش پول ملی بردارد. تا وقتی این نشانه‌ها غایب باشند دلار آزاد همچنان بیابانه بانک مرکزی را می‌تردید می‌خواند.

ارز ارزان و کالای گران؛ معمای تکراری سیاست ارزی

یکی از قدیمی‌ترین وعده‌های سیاست ارزی در ایران این بوده است: ارز ارزان می‌دهیم تا کالا ارزان به‌دست مردم برسد. این وعده در مزن منتقلی و حتی عادلانه به‌نظر می‌رسد. اگر دولت برای واردات کالاهای اساسی، دارو، نهاده‌های تولید یا مواد اولیه ارز ارزان‌تر تخصیص دهد باید قیمت نهایی کالا برای مصرف‌کننده کاهش یابد یا دست‌کم از جهش شدید آن جلوگیری شود اما تجربه چند دهه سیاست ارزی نشان داده که میان «ارز ارزان» و «کالای ارزان» فاصله‌ای بزرگ، میهم و پرهزینه وجود دارد.

این فاصله همان جایی است که رانت متولد می‌شود. وقتی یک کالا یا یک واردکننده به‌ارز ارزان‌تر از نرخ بازار دسترسی پیدا می‌کند یک امتیاز اقتصادی بزرگ در اختیار دارد. پرسش اصلی این است که آیا این امتیاز واقعا به‌مصرف‌کننده منتقل می‌شود یا در میانه زنجیره واردات، توزیع و فروش

تخصیص داده می‌شود کسانی که پشت صف می‌مانند ناچارند به‌بازار آزاد پناه ببرند. وقتی بانک مرکزی از تزریق گسترده ارز پرهیز کرده بازار این احتیاط را به‌کمبود تعبیر می‌کند. بنابراین نقد سیاست ارزی نباید ساده‌انگارانه باشد. نمی‌توان گفت بانک مرکزی همه‌کاره است اما نمی‌توان هم پذیرفت که هیچ‌مسئولیتی ندارد. دست بانک مرکزی خاندان بسته باشد اما صورت‌حساب این دست‌های بسته را مردم پرداخت می‌کنند. هنر سیاستگذار در چنین شرایطی فقط توضیح محدودیت‌ها نبوده بلکه ساختن اعتماد، شفاف‌کردن اولویت‌ها و کاستن از هزینه‌های است که هربار از جیب تولید و معیشت پرداخت می‌شود.

دلار آزاد بیانیه بانک مرکزی را باور نمی‌کند

بانک مرکزی می‌تواند نرخ رسمی اعلام کند، مرکز مبادله راه‌اندازی کرده، از تأمین ارز کالاهای ضروری خبر دهد و بر ثبات نسبی تأکید کند اما بازار آزاد با زبان دیگری حرف می‌زند. دلار آزاد نه به‌ادبیات بخشنامه‌ای وفادار است و نه به‌وعده‌های روزانه سیاستگذار. این بازار با همه نقص‌ها و حاشیه‌هایش، دماسنج انتظارات عمومی است؛ انتظاراتی که از تورم، جنگ، تحریم، کسری بودجه، نااطمینانی سیاسی و تجربه‌های تلخ گذشته تغذیه می‌کند.

وقتی مردم و فعالان اقتصادی احساس کنند ارزش ریال در آینده کمتر خواهد شد رفتارشان تغییر می‌کند. واردکننده تقاضای ارز خود را جلو می‌اندازد، صادرکننده برای عرضه ارز محتاط‌تر می‌شود، خنوار بخشی از پس‌انداز خود را به‌دلار و طلا تبدیل می‌کند و دلال نیز از همین ترس عمومی سسود می‌برد. در چنین فضایی بانک مرکزی حتی اگر در بازار رسمی موفق باشد لزوماً در بازار انتظارات پیروز نشود است. شکست اصلی دقیقاً همین‌جاست: ممکن است کالاهای ضروری با ارز رسمی تأمین شوند اما ذهن جامعه همچنان با نرخ بازار آزاد قیمت‌گذاری می‌شود.

مشکل وقتی عمیق‌تر می‌شود که سیاستگذار نرخ آزاد را صرفاً «غیررسمی» یا «غیرواقعی» بماند. البته بازار آزاد همیشه تصویر کامل اقتصاد نیست و می‌تواند تحت‌تأثیر سفته‌بازی، هیجان و عملیات روانی قرار گیرد اما نادیده‌گرفتن آن هم خطاست. در قیمت مسکن، خودرو، طلا، لوازم خانگی، سفر، دارو و حتی انتظارات مزدی اثر می‌گذارد.

برای همین است که بیانیه‌های دست‌هایی بسته وارد میدان می‌شود اما مساله اینجاست که این دست‌های بسته سال‌هاست به‌بخشی از روایت رسمی سیاستگذاری تبدیل شده است. رییس کل بانک مرکزی می‌تواند بگوید جنگ مسیرهای مبادله را دشوار و تحریم انتقال پول را پرهزینه کرده، کسری بودجه بر پایه پولی فشار آورده، دولت ارز ارزان برای کالاهای اساسی می‌خواهد و جامعه هم انتظار دارد دلار مهار شود. همه اینها درست است اما درست‌بودن محدودیت‌ها به‌معنای کافی بودن پاسخ‌ها نیست.

«سندرم دست‌های بسته» یعنی سیاستگذار مدام توضیح می‌دهد چرا نمی‌تواند همه کارها را انجام دهد اما کمتر روشن می‌کند دقیقاً چه کاری به‌تر از به‌تر از گذشته انجام خواهد داد. بانک مرکزی نه اختیار کامل بودجه را دارد، نه سیاست خارجی را تعیین می‌کند و نه می‌تواند مسیر تحریم‌ها را باز کند. با این حال همین نهاد مسئول مدیریت انتظارات، تنظیم بازار، کنترل اضافه‌برداشت بانک‌ها، نظارت بر تخصیص ارز و شفاف‌سازی سیاست ارزی است. اگر این ابزارها هم مهم، ناپایدار یا غیرشفاف باشند دست‌های بسته به‌سیر دفاعی دائمی تبدیل می‌شود.

مشکل دیگر این است که هزینه محدودیت‌های بانک مرکزی معمولا به‌شکلی نامتقارن توزیع می‌شود، وقتی دولت و بانک مرکزی تصمیم می‌گیرند ذخایر را حفظ کنند این تصمیم ممکن است در سطح کلان عقلانی باشد اما در سطح درخردکننده مواد اولیه یا تأخیر مواجه می‌شود، تولیدکننده هزینه واقعا به‌مصرف‌کننده منتقل می‌شود یا در میانه زنجیره واردات، توزیع و فروش

«جهان صنعت» از مسیر معاملات صندوق‌های بازار سرمایه گزارش می‌دهد

بازگشت رونق به‌طراحی‌ها



«جهان صنعت» - روز دوشنبه بازار سرمایه شاهد رونق معاملات در گروه صندوق‌های طلا و نقره توسط حقیقی‌های بازار و خروج دوباره سرمایه حقیقی از صندوق‌های درآمد ثابت بود. در گروه صندوق‌های املاک و مستغلات نیز بازار شاهد استقبال سرمایه‌گذاران حقیقی از این گروه دارایی و ثبت دوباره ورود سرمایه بود.

باتوجه به‌اختیار متناقض درخصوص میزان ریسک‌های ژئوپلیتیک و بیسم و امیدها پیرامون تلاطم و یا تملیق مذاکرات اما به‌منظر می‌رسد بخشی از جریان سرمایه‌سیر سرمایه‌گذاری را درپیش گرفته و با پذیرش درصدی از ریسک‌ها در گروه‌هایی غیر از صندوق‌های درآمد ثابت به‌جریان افتاده است.

از این‌رو در روزهای گذشته بازار شاهد کاهش ورود سرمایه به‌صندوق‌های درآمد ثابت و ثبت برآیند منفی ورود پول طی دو هفته قبل در این صندوق‌ها بوده است.

خروج ۲ همت سرمایه حقیقی از صندوق‌های درآمد ثابت

روز دوشنبه در گروه صندوق‌های درآمد ثابت تعداد ۹/۵ میلیارد واحد از این صندوق‌ها به‌ارزش ۲۶ هزار و ۲۸۰ میلیارد تومان معامله شد و در نتیجه این معاملات رقم به‌ارزش ۲ هزار و ۲۵۰ میلیارد تومان خالص سرمایه حقیقی از این صندوق‌ها خارج شد سرانه خریداران حقیقی به‌ارزش ۳۳۰ میلیون تومان در برابر سرانه فروشندگان حقیقی به‌ارزش ۴۶۱ میلیون تومان قرار گرفت و نسبت قدرت خرید به‌فروشندگان منفی ۱/۱۳ به‌ثبت رسید.

از منظر ترکیب معامله‌گران نیز روز گذشته خریداران حقیقی با تعداد ۲۵ هزار و ۳۸۲ نفر و

صندوق‌های املاک همچنان در کانون توجه روز دوشنبه معاملات در گروه صندوق‌های املاک و مستغلات بازار سرمایه نیز ادامه یافت و حضور و تقاضای بالای سرمایه‌های حقیقی در این گروه باعث شد تا معاملات در محدوده سقف قیمتی مجاز روزانه این صندوق‌ها صورت پذیرد. روز گذشته تعداد ۲۳۳ میلیون واحد از این صندوق‌ها به‌ارزش ۵۶۶ میلیارد تومان معامله و در نتیجه این معاملات رقم به‌ارزش

ارزش خرید ۵ هزار و ۸۴۲ میلیارد تومان، ۲۲ درصد از سهم خرید بازار و در مقابل فروشندگان حقیقی با تعداد ۳۱ هزار و ۷۷۷ نفر و ارزش معاملات ۵۸ هزار و ۲۹۵ میلیارد تومان ۳۱/۲ درصد از بازار فروش را از آن خود کردند و حضور پررنگ‌تر نسبت به‌خریداران حقیقی داشتند. روز دوشنبه سه‌صندوق کیان، پاسارگاد و کارا بیشترین ارزش معاملات را در این گروه دارایی به‌ثبت رساندند.

از ۵۸ درصد معاملات فروش حاضر شدند که نشان دهنده تمایل بالای سرمایه‌های حقیقی به‌خرید واحدهای این صندوق‌هاست.

ورود سرمایه سنگین حقیقی به‌صندوق‌های طلا

روز دوشنبه باوجود افت نرخ اونس جهانی در معاملات آغاز هفته صندوق‌های طلای بورسی شاهد رشد قیمتی و تلاطم ورود سرمایه‌های حقیقی به‌ارزش بیش از ۵ هزار میلیارد تومان بودند. این استقبال از صندوق‌های طلا در این روزها و در این‌بازه قیمتی می‌توان نشان دهنده شناسایی کف‌های قیمتی در محدوده زمانی فعلی توسط سرمایه‌گذاران بوده که می‌تواند با جذب هرچه بیشتر سرمایه‌ها منجر به‌رشد قیمت در روزهای آینده شود. از این‌رو گروه صندوق‌های طلای بورسی طی روزهای گذشته شاهد ورود گسترده سرمایه‌های حقیقی و بازگشت معامله‌گران و افزایش حجم و ارزش معاملات روزانه بوده است

حباب‌گیری دوباره صندوق‌های نقره

روز دوشنبه صندوق‌های نقره نیز همسو با بخش‌های دیگر بازار روزی مثبت را پشت سر گذاشتند و شاهد ثبت دوباره ورود سرمایه‌های حقیقی بودند اما با توجه به‌رشد قیمتی این صندوق‌ها مجدداً شاهد ورود به‌حباب قیمتی بیش از ۱۰ درصد بودند که می‌تواند با تعدیل رشد قیمت در روزهای آتی باوجود رشد نرخ جهانی و شمش نقره کاهش یافته و به‌محدوده کهریسک وارد شود در مجموع اما این گروه دارایی طی روزهای گذشته با استقبال خوبی از سوی خریداران حقیقی مواجه شده و با توجه به‌افزایش تعداد صندوق‌های فعال در این حوزه می‌تواند در آینده یکی از کلاس‌های دارایی تاثیرگذار در بازار سرمایه باشد.

کارشناس بازار سرمایه مطرح کرد

نسخه پیشنهادی برای مدیریت بازگشایی بازار سهام



نقش بازارگردان‌ها و صندوق‌های حمایتی سمسار تاکید کرد: «بازارگردان‌ها زمانی می‌توانند نقش موثر خود را ایفا کنند که از منابع مالی کافی برخوردار باشند و امکان حضور فعال در سمت خرید بازار را داشته باشند. به‌اعتقاد او، حمایت هدفمند صندوق‌های حمایتی

از فرآیند طبیعی کشف قیمت خواهد بود. او پیشنهاد کرد: «بازارهایی مانند دامنه نوسان، فعالیت موثر بازارگردان‌ها و حمایت صندوق تثبیت و توسعه بازار به‌صورت جدی‌تری مورد استفاده قرار گیرد تا از رفتارهای هیجانی جلوگیری شود.»

نگاه

یک کارشناس بازار سرمایه با تاکید بر ضرورت بازگشایی مدیریت‌شده بازار سرمایه معتقد است بورس باید با استفاده از ابزارهای حمایتی، شفافیت اطلاعاتی و حضور فعال بازارگردان‌ها به‌شرایط عادی بازگردد تا امکان کشف قیمت، مدیریت ریسک و تلاطم اعتماد سرمایه‌گذاران فراهم شود.

محمدرضا سمسار در گفت‌وگو با سنا پیش‌بینی کرد: «هرچند بازار در روزهای ابتدایی ممکن است با نوسانات همراه باشد اما بازگشت تدریجی معاملات می‌تواند به‌کاهش هیجانات و شکل‌گیری تعادل در بازار کمک کند.» این کارشناس بازار سرمایه ادامه داد: باتوجه به‌شرایط اخیر بازار سرمایه بخشی از صنایع بزرگ کشور از جمله شرکت‌های فولادی، پتروشیمی و زیرساختی تحت‌تاثیر تحولات اخیر قرار گرفتند و طبیعی است که سهامداران نسبت به آینده این صنایع حساسیت بیش‌تری داشته باشند.» سمسار تاکید کرد: «بازار سرمایه ذاتاً برای مدیریت ریسک و کشف قیمت در شرایط مختلف اقتصادی و سیاسی طراحی شده و ادامه تعطیلی طولانی مدت بازار نمی‌تواند راهکار مناسبی برای مدیریت شرایط فعلی باشد.»

بازگشایی تدریجی به‌جای توقف طولانی

این کارشناس بازار سرمایه معتقد است بازگشایی تدریجی و کنترل‌شده بازار می‌تواند به‌تخلیه هیجانات و بازگشت آرامش کمک کند. به گفته او، طبیعی است که در روزهای ابتدایی بازگشایی بازار با افزایش عرضه و نوسانات همراه شود اما این روند بخشی

می‌تواند به‌متعادل شدن معاملات و کاهش فشار فروش کمک کند.»

سمسار همچنین بر اهمیت شفافیت اطلاعاتی اشاره کرد و گفت: «شرکت‌هایی که با آسیب یا اختلال مواجه شدند باید اطلاعات دقیق‌تری درباره وضعیت تولید، میزان خسارات و برنامه‌های جبرانی خود منتشر کنند تا فضای تصمیم‌گیری برای سرمایه‌گذاران شفاف‌تر شود.»

او در ادامه توضیح داد: «همه صنایع شرایط مشابهی ندارند و برخی گروه‌ها مانند صنایع دارویی، غذایی و شرکت‌های پخش فشار کمتری را تجربه کردند.»

به‌گفته وی، این موضوع می‌تواند پس از فروکش کردن هیجانات اولیه موجب افزایش توجه سرمایه‌گذاران به این صنایع شود.»

اعتقاد: مهم‌ترین سرمایه بازار

این کارشناس بازار سرمایه افزود: «مهم‌ترین مساله در شرایط فعلی را حفظ اعتماد سرمایه‌گذاران دانست و گفت: «تجربه بازارهای جهانی نشان می‌دهد که پس از بحران‌ها، بازارها به‌تدریج به‌تعادل بازمی‌گردند، اما لازمه این روند حفظ شفافیت و امکان فعالیت طبیعی بازار است.» او تاکید کرد: «بازار سرمایه باید بتواند در فضایی حرفه‌ای و قابل پیش‌بینی، مسیر طبیعی خود را طی کند تا سرمایه‌گذاران امکان تصمیم‌گیری و مدیریت ریسک را داشته باشند.»

دیده‌بان

نماینده مجلس مطرح کرد

جذب ۳۱ همت پول در بورس از ابتدای جنگ

ایلنا - عضو کمیسیون حمایت از تولید و نظارت بر اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی گفت که باوجود تبلیغات دشمن به‌هیچ عنوان با خروج سرمایه از بازار بورس مواجه نبودیم و از ابتدای جنگ رمضان تاکنون بیش از ۳۱ هزار میلیارد تومان پول وارد صندوق‌های



سرمایه‌گذاری شده است. محسن زنگنه با اشاره به‌نشست مشترک کمیسیون ویژه حمایت از تولید و نظارت بر اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و رییس سازمان بورس و اوراق بهادار تصریح کرد: در ادامه نشست‌های نظارتی آخرین وضعیت بازار سرمایه در نشست مشترک کمیسیون حمایت از تولید و نظارت بر اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی با حضور رییس سازمان بورس و اوراق بهادار و معاونان وی بررسی شد.

وی افزود: گزارش‌های بسیار جامعی در خصوص اتفاقات پیش آمده در بازار سرمایه از جنگ رمضان تاکنون ارائه شد که مجموع گزارشات برخلاف برخی سیاه‌نمایی‌های دشمن بسیار مثبت و خوشحال‌کننده بود.

زنگنه گفت: بنابر گزارش‌های سازمان بورس و اوراق بهادار از ابتدای جنگ رمضان تاکنون بیش از ۳۱ هزار میلیارد تومان پول وارد صندوق‌های کالایی، کشاورزی، انرژی و سرمایه‌گذاری با درآمد ثابت شده است. عضو کمیسیون حمایت از تولید خاطر‌نشان کرد: از ۹ اسفند ۱۴۰۴ تا ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۵ هزار میلیارد تومان نیز اوراق دولتی و خصوصی منتشر شده و به‌فروش رسیده است.

زنگنه گفت: در ایام جنگ رمضان میانگین ارزش معاملات روز بورس کالا حدود ۱۱ هزار و ۱۴۰ میلیارد تومان بوده که تقریباً برابر با میانگین ابتدای سال ۱۴۰۴ تا ابتدای جنگ است یعنی هیچ گونه کاهش درخصوص معاملات بازار بورس کالا نداشته‌ایم و وی تصریح کرد: از ابتدای جنگ تاکنون ۱۱۱ طرح موفق به‌تامین مالی جمعی شدند و توانستند حدود ۲/۲ همت منابع از بازار جذب کنند.

زنگنه ادامه داد: در همین دورانی که شاید عده‌ای گمان می‌کنند با کاهش سرمایه‌گذاری و با فرار سرمایه مواجه بودیم حدود ۷۲ مجوز برای افزایش سرمایه به‌ثبت رسیده که منجر به‌افزایش سرمایه حدود ۹/۳۱۵ همتی این شرکت‌ها خواهد شد. وی گفت: در مجموع به‌جز بازار اصلی که حتماً باید با تدابیر و تمهیداتی نسبت به‌بازگشایی آن اقدام شود ما در خصوص سایر شاخص‌های بازار سرمایه شاهد فضای بسیار مثبتی هستیم. زنگنه یادآور شد: باوجود تبلیغات دشمن به‌هیچ عنوان با خروج سرمایه از بازار بورس مواجه نبودیم و میزان پول ورودی به‌بازار سرمایه حاکی از این است که بازار مالی و بازار سرمایه ایران نسبت به‌آینده پسا جنگ نگاه و انتظارات مثبتی دارد که این خبر بسیار خوبی برای اقتصاد ایران است.

هفته گذشته رقم خورد

خرید سیمان از بورس کالا توسط ۵۲۷۷۷ کد بورسی

کالاخبر - تعداد ۵۲۷۷۷ خریدار از ۱۳۰ استان هفته گذشته یک میلیون و ۳۷۳ هزار و ۹۶۰ تن سیمان از بورس کالا خریداری کردند.



طبق آمار در هفته منتهی به ۱۵ اردیبهشت ماه استان‌های تهران با ۱۵ هزار و ۱۰۰ تن، خراسان رضوی با ۱۰ هزار و ۷۰۰ تن، استان اصفهان با ۹ هزار و ۵۰۰ تن و استان فارس با ۹ هزار و ۳۷۰ تن در صدر جدول حجم خرید سیمان از بورس کالا قرار گرفتند.

بالاترین تعداد مشتریان به‌ترتیب به‌استان‌های آذربایجان غربی با ۵۴۹ خریدار، استان خوزستان با ۴۸۰ خریدار، استان فارس با ۴۷۵ خریدار و استان کرمانشاه با ۳۴۳ خریدار اختصاص داشت.

ورود سیمان به‌بورس کالا ساختار توزیع این محصول را متحول کرده و دسترسی عادلانه و شفاف‌تری را برای مصرف‌کنندگان فراهم آورده است. این تحول نه‌تنها موجب شده که مصرف‌کنندگان به‌صورت عادلانه‌تر به‌سیمان دسترسی پیدا کنند بلکه باعث افزایش شفافیت و رقابت سالم در این بازار نیز شده است. این روند موجب شده که عرضه‌وتقاضا به‌طور بهینه‌تری تنظیم شود و دسترسی به‌این کالای اساسی برای تمامی مصرف‌کنندگان چه در مناطق دورافتاده و چه در مناطق صنعتی تسهیل شود.

آگهی مناقصه عمومی دو مرحله‌ای
شماره ۰۲۳/۱۴۰۵/م.ع.ب/پ.ش
شرکت پالایش نفت شیراز (سهامی عام)
شیرکت پالایش نفت شیراز در نظر دارد جهت خرید ۵ قلم SPECTACLE BLIND FLANGES از شرکت‌های معتبر سازنده داخلی با سپرده شرکت در مناقصه به مبلغ ۱۳۱۰۰۰۰۰۰ ریال اقدام به برگزاری مناقصه عمومی نماید. لطفاً جهت اطلاع بیشتر به سایت www.sorc.ir مراجعه فرمایید.

جهان صنعت
سازمان آگهی‌ها
روزنامه جهان صنعت
www.jahanesanat.ir

آگهی مناقصه عمومی دو مرحله‌ای
شماره ۰۱۴/۱۴۰۵/م.ع.ب/پ.ش
شرکت پالایش نفت شیراز (سهامی عام)
شرکت پالایش نفت شیراز در نظر دارد خرید ۲۰۰۰ عدد HEAT EX. TUBE 3/4 IN با سپرده شرکت در مناقصه به مبلغ ۲۶۲۰۰۰۰۰۰ ریال اقدام به برگزاری مناقصه عمومی نماید. لطفاً جهت اطلاع بیشتر به سایت www.sorc.ir مراجعه فرمایید.
روابط عمومی شرکت پالایش نفت شیراز (سهامی عام)

آگهی مناقصه عمومی دو مرحله‌ای
شماره ۰۲۰/۱۴۰۵/م.ع.ت
شرکت پالایش نفت شیراز (سهامی عام)
شرکت پالایش نفت شیراز در نظر دارد جهت ساخت مناقصه عمومی ROTOR COMPLETE برگزرا نماید. لطفاً جهت اعلام آمادگی و کسب اطلاعات بیشتر به وبسایت شرکت پالایش نفت شیراز به آدرس زیر مراجعه نمایید. آدرس سایت WWW.SORC.IR
روابط عمومی شرکت پالایش نفت شیراز (سهامی عام)

اصلاحیه آگهی مناقصه عمومی شناسایی پیمانکار واجد شرایط به منظور انجام خدمات آزمایشگاه ژئوتکنیک و مقاومت مصالح شرکت معدنی و صنعتی گهرز مین
(مناقصه شماره ۰۴-TC-۱۴۰۵)

مشاور باید دارای سابقه اجرای حداقل ۳ کار مشابه را داشته باشد.
• محدوده انجام خدمات مربوط به شهرهای سیرجان، بردسیر و زاهدان است.
• ارائه معرفی‌نامه و تسلیم فیش واریزی به مبلغ ۱۰۰۰۰۰۰۰ ریال به حساب شماره ۰۷۵۰۲۰۰۷۵ نزد بانک سپه و با حساب شماره ۰۷۵۰۲۰۰۷۵ شماره شبا ۰۷۵۰۲۰۰۷۵ نزد بانک ملت به نام شرکت معدنی و صنعتی گهرز مین جهت شرکت در مناقصه عمومی انتخاب پیمانکار انجام خدمات آزمایشگاه ژئوتکنیک و مقاومت مصالح شرکت معدنی و صنعتی گهرز مین
• مهلت تسلیم درخواست خرید اسناد: از تاریخ یکشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۲۰ تا روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۲۶ ساعت ۱۴:۰۰
• متقاضیان باید پاکت در بسته و مهر و امضا شده حاوی مدارک کالغذی و CD (شامل کلیه مدارک اسکن شده) که نام و نشانی درخواست‌کننده و موضوع مناقصه به وضوح روی آن درج شده را حداکثر تا ساعت ۱۴:۰۰ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۲۰ به دبیرخانه کمیسیون معاملات کارفرما تحویل داده و رسید دریافت کنند.
• کارفرما در انتخاب شرکت‌کننده جهت مناقصه و همچنین در دریافت و قبول پیشنهاد پیمانکاران بر اساس صلاحدید خود کاملاً مختار بوده و لذا شرکت در مناقصه، حتی برای ایشان در خصوص تعصبات کارفرما در بر نخواهد داشت.
• جهت اطلاعات بیشتر متقاضیان می‌توانند با شماره تلفن‌های ۰۲۶-۴۱۵۲۲۱۱۶ و ۰۲۶-۴۱۵۲۲۱۱۵ و آدرس الکترونیکی (TC@GoharZamin.com) مکاتبه نمایند.

شرکت معدنی و صنعتی گهرز مین در نظر دارد پیمانکار واجد شرایط و صلاحیت به منظور انجام خدمات آزمایشگاه ژئوتکنیک و مقاومت مصالح، این شرکت را از طریق مناقصه عمومی یک مرحله‌ای به‌همراه انجام فرآیند ارزیابی کیفی و فن‌شناسایی انتخاب نماید. متقاضیان جهت شرکت در مناقصه می‌بایست ابتدا نامه اعلام آمادگی و فیش واریزی را از طریق آدرس ایمیل ذیل به دبیرخانه کمیسیون معاملات ارسال نمایند. متقاضیان واجد صلاحیت پس از دریافت پاکت‌های حالی مناقصه از دبیرخانه کمیسیون معاملات واقع در مجتمع سیرجان با دبیرخانه دفتر مرکزی تهران، پیشنهادات خود را تا قبل از مهلت مقرر به آدرس تهران، بلوار آفریقا، بلوار آرش غربی، شماره ۱۲، طبقه همکف و یا سیرجان یک کیلومتر ۶۰ جاده شیراز، سایت شرکت معدنی و صنعتی گهرز مین، دبیرخانه کمیسیون معاملات تحویل دهند.
• شرایط لازم مناقصه‌گران برای شرکت در مناقصه:
• دارای کوله‌پنجه صلاحیت خدمات مشاوره پایه ۲ رشته ژئوتکنیک سازمان برنامه و بودجه کشور یا دارا بودن کوله‌پنجه صلاحیت خدمات مشاوره پایه حداقل در ۲ رشته ژئوتکنیک از وزارت راه و شهرسازی
• دانش‌سن ظرفیت آزاد (تعدادی و ریالی) در رشته مربوطه و نیز معتبر بودن اسم شرکت در بلیکه (<http://www.sajaramporj.ir>) (بخشنامه شماره ۰۵۹۳-۹۴/۳ مورخ ۱۳۷۵/۰۹/۲۵) مورد بررسی قرار می‌گیرد لذا مناقصه‌گران می‌بایست نسبت به بروزسانی اطلاعات قراردادی خود در سامانه مذکور اهتمام داشته‌اند و هر مناقصه‌گر در این خصوص مسئول می‌باشد.
• دارا بودن کوله‌پنجه صلاحیت ایمنی از وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی با تاریخ معتبر

چالش
بعد از بازگشایی بورس کدام صنایع جذاب‌ترند؟
منتفع شدند بیشترین شانس را برای جذب نقدینگی دارند. در این میان گروه‌های زیر بیش از سایر صنایع مورد توجه تحلیلگران قرار گرفتند:
صنایع دارویی / صنایع غذایی / گروه سیمانی / پالایشی‌ها / زراعت / ساختمان‌ی و انبوه‌سازی / کاشی‌وسرامیک / صندوق‌های طلا و درآمد ثابت

آگهی مناقصه عمومی دو مرحله‌ای
شماره ۰۱۳/۱۴۰۵/م.ع.ب/پ.ش
شرکت پالایش نفت شیراز (سهامی عام)
شرکت پالایش نفت شیراز در نظر دارد جهت خرید 60 SHEET BRASS PLATE با سپرده شرکت در مناقصه به مبلغ ۱۸۶۰۰۰۰۰ ریال اقدام به برگزاری مناقصه عمومی نماید. لطفاً جهت اطلاع بیشتر به سایت www.sorc.ir مراجعه فرمایید.
روابط عمومی شرکت پالایش نفت شیراز (سهامی عام)

آگهی مناقصه عمومی دو مرحله‌ای
شماره ۰۱۰/۱۴۰۵/م.ع.ب/پ.ش
شرکت پالایش نفت شیراز (سهامی عام)
شرکت پالایش نفت شیراز در نظر دارد جهت خرید TUBE SHEET با سپرده شرکت در مناقصه به مبلغ ۱۸۱۰۰۰۰۰۰ ریال اقدام به برگزاری مناقصه عمومی نماید. لطفاً جهت اطلاع بیشتر به سایت www.sorc.ir مراجعه فرمایید.
روابط عمومی شرکت پالایش نفت شیراز (سهامی عام)

آگهی مناقصه عمومی دو مرحله‌ای
شماره ۰۱۵/۱۴۰۵/م.ع.ب/پ.ش
شرکت پالایش نفت شیراز (سهامی عام)
شرکت پالایش نفت شیراز در نظر دارد جهت خرید چراغ خیابانی (LED) با سپرده شرکت در مناقصه به مبلغ ۱۸۱۰۰۰۰۰۰ ریال اقدام به برگزاری مناقصه عمومی نماید. لطفاً جهت اطلاع بیشتر به سایت www.sorc.ir مراجعه فرمایید.
روابط عمومی شرکت پالایش نفت شیراز (سهامی عام)

آگهی مناقصه عمومی
شماره تقاضا: RZS-0448080
موضوع آگهی: ساخت کالا

ردیف	واحد	مقدار	شرح
1	PR	2	Rotors with Keys (CERPELLI Rotary Pumps), Type 1
2	PR	2	Rotors with Keys (CERPELLI Rotary Pumps), Type 2
3	PR	2	Rotors with Keys (CERPELLI Rotary Pumps), Type 3

آخرین مهلت اعلام آمادگی و ارسال رزومه پایان وقت اداری روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۰۲ می‌باشد
برای کسب اطلاعات بیشتر و مبلغ تضمین شرکت در مناقصه به سایت شرکت www.tzorc.ir بخش تامین کنندگان - فرخوانها مراجعه نمایید.
روابط عمومی و امور بین‌الملل شرکت پالایش نفت تبریز

پداداشت

تناقض در رسانه ملی

محمدرضا رسولی - مرور شاخص‌های متعدد در حوزه جمعیت و فرزندآوری نشانگر آن است که کاهش فرزندآوری به یک الگوی غالب و سبک زندگی در کشور تبدیل شده است.



هرچند کاهش فرزندآوری یک الگوی غالب جهانی است اما نکته حائز اهمیت اینکه روند کاهش باروری در ایران موفق به ثبت سریع‌ترین و بزرگ‌ترین رکوردهای کاهش باروری شده است. به باور کارشناسان عوامل مختلفی در کاهش نرخ فرزندآوری در کشور دخیل هستند که می‌بایست در سطوح مختلف و در سطح کلان و توسط همه دستگاه‌ها مورد رسیدگی و حمایت قرار گیرد.

در این میان تاثیر عوامل فرهنگی در تغییر روند جمعیتی کشور غیرقابل انکار است و در این زمینه صداوسیما به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ارگان‌های جریان‌ساز فرهنگی کشور نقش بسزایی دارد اما شوربخانه کارنامه این نقش اول رسانه‌های نشان‌دهنده آن است که در این امر چندان موفق نبوده است. صداوسیما در برنامه‌های خشک کارشناسی که مخاطبان کمتری دارد، تاکید بر تشکیل خانواده و فرزندآوری می‌کند اما در سایر برنامه‌های پرمخاطب که دست بر قضا به روی ذائقه مخاطب اثر گذارند به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر خلاف سیاست‌های جمعیتی و در نقطه مقابل تشویق به فرزندآوری عمل می‌کند. خانواده‌های کم جمعیت در فیلم‌ها و سریال‌ها و آگهی‌های بازرگانی با زندگی لاکچری و خانه‌های بزرگ و زندگی‌های پرزرق و برق به‌عنوان یک الگوی ایده‌آل خانواده امروزی و از طرفی دیگر خانواده‌های پرجمعیت به‌طور معمول ناموفق و با مشکلات و معضلات اجتماعی بسیار به‌عنوان نمونه‌ای از خانواده‌هایی که دچار فقر فرهنگی هستند، به تصویر کشیده می‌شود. ضمن اینکه در برنامه‌های سرگرم کننده که با حضور سلبریتی‌ها ساخته می‌شود، اغلب افراد مشهوری که دعوت می‌شوند، معمولاً نسبت به تشکیل خانواده و امر ازدواج بی‌اهمیت هستند.

در حالی که این افراد به الگویی که ابعاد مختلف زندگی آنها روی ضمیر ناخودآگاه عموم جامعه به‌ویژه نسل جوان تاثیر گذار است، تبدیل شده‌اند. این چنین است که در شرایط کنونی، زوج‌های جوان با داشتن بیش از یک فرزند، مورد سرزنش اطرافیان قرار می‌گیرند و به نوعی اگر حتی علاقه‌ای در فرزندآوری هم نداشته باشند، هیچ اقدامی در این زمینه انجام نمی‌دهند تا مبادا از سوی آنان مورد انتقاد قرار بگیرند.

چکیده کلام اینکه کاهش جمعیت و فرزندآوری یک تهدید جدی برای کشور محسوب شود و حل آن مستلزم یک اقدام چندبعدی فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی است. بر این اساس با توجه به تاثیر غیرقابل انکار رسانه ملی بر فرهنگ جامعه، لازم و ضروری است، رسانه ملی با تغییر رویکرد، از تمام ظرفیت بالقوه خود در جهت اصلاح سبک زندگی و تغییر نگرش نسبت به ازدواج و فرزندآوری استفاده کند تا شاید از این طریق بتوان تا حدودی کشور را از بن‌بست سقوط جمعیتی نجات داد.

خبر

معاون بهداشت وزارت بهداشت:

نگرانی درباره همه‌گیری هانتاویروس نیست



ایسنا - معاون بهداشت وزارت بهداشت با اشاره به افزایش بحث‌ها درباره هانتاویروس گفت که تاکنون موردی از این ویروس در ایران گزارش نشده و خطر همه‌گیری آن بسیار پایین است و نگرانی در این زمینه وجود ندارد.

علیرضا ریسی با اشاره به افزایش ملبس‌شده درباره هانتاویروس در فضای مجازی تاکید کرد: این ویروس جدید نیست و سال‌هاست در دنیا شناخته شده است، ضمن اینکه تاکنون هیچ موردی از نوع جدید هانتاویروس در ایران گزارش نشده و جای نگرانی وجود ندارد. وی با بیان اینکه هانتاویروس از سال‌های گذشته شناخته شده بوده و به‌طور کلی دو نوع اصلی دارد، افزود: نوعی که بیشتر در آسیا و اروپا مشاهده می‌شود، عمدتاً تا خون تزبینی‌دهنده همراه با نارسایی کلیوی ایجاد می‌کند و نوع جدیدتر آن که پیشتر در قاره آمریکا به‌ویژه آمریکای جنوبی دیده می‌شود، زه‌رها را درگیر کرده و موجب مشکلات قلبی - ریوی می‌شود.

وی افزود: آنچه این روزها بیشتر درباره آن صحبت می‌شود، مربوط به موارد ابتلا در یک کشتی تفریحی بوده که از آرژانتین به سمت جزایر قناری در حال حرکت بوده است. در این کشتی چند نفر مبتلا شدند که برخی از آنها حتی به بخش مراقبت‌های ویژه منتقل شدند و تعدادی نیز جان خود را از دست دادند.

معاون وزیر بهداشت درباره نحوه انتقال این ویروس گفت: هانتاویروس عمدتاً از طریق جوندگان به‌ویژه موش و فصولات این حیوان منتقل می‌شود. در نوع جدید این ویروس، درگیری ریوی و قلبی شدیدتر است و به همین دلیل بیماران کشتی مذکور عمدتاً با علائم قلبی - ریوی مواجه بودند. ریسی با بیان اینکه انتقال اصلی بیماری از حیوان به انسان است، تصریح کرد: انتقال انسان به انسان بسیار نادر است و فقط در شرایط خاص ممکن است رخ دهد؛ به‌عنوان مثال فردی که ویروس را از جوندگان دریافت کرده، در تماس بسیار نزدیک و طولانی مدت در فضای بسته با فرد دیگری قرار داشته باشد.

وی ادامه داد: سازمان جهانی بهداشت نسبت به این ویروس به‌ویژه در کشورهای اروپایی و آمریکا هشدارهایی داده اما خطر همه‌گیری آن را بسیار پایین اعلام کرده و این ویروس اساساً ویژگی‌هایی شبیه کرونا ندارد که بتواند همه‌گیری گسترده ایجاد کند.

معاون بهداشت وزارت بهداشت خاطر نشان کرد: تاکنون هیچ موردی از نوع جدید هانتاویروس در کشور ما گزارش نشده و حتی در کشورهای اطراف ایران نیز گزارشی در این زمینه وجود نداشته است. تمرکز موارد اخیر بیشتر بر همان کشتی تفریحی بوده و افرادی که در آن حضور داشته‌اند، تحت ارزیابی و قرنطینه قرار گرفته‌اند.

وی درباره درمان این بیماری گفت: درمان هانتاویروس مانند بسیاری از بیماری‌های ویروسی، حمایتی است و در حال حاضر دارو یا واکسن اختصاصی موثری برای آن وجود ندارد.

ریسی با تاکید بر اهمیت رعایت اصول بهداشتی اظهار کرد: رعایت دستورالعمل‌ها و نکات بهداشتی می‌تواند در برابر بسیاری از بیماری‌های ویروسی، از جمله هانتاویروس محافظت ایجاد کند. مردم نیز به شایعات و اخبار غیررسمی توجه نکنند؛ در صورت وجود هرگونه مورد مهم، وزارت بهداشت به‌صورت رسمی اطلاع‌رسانی خواهد کرد.

بنابر اعلام وزارت بهداشت، وی افزود: وزارت بهداشت براساس وظیفه ذاتی خود، آموزش‌ها و اطلاع‌رسانی لازم را به پزشکان سراسر کشور انجام داده و آزمایشگاه‌های مجهزی نیز برای تشخیص این ویروس در کشور وجود دارد تا در صورت مشاهده موارد مشکوک، بررسی‌های لازم انجام شود.

معاون بهداشت وزارت بهداشت در پایان تاکید کرد: هدف از ارائه این توضیحات، آگاهی بخشی و اطمینان خاطر مردم است و در حال حاضر هیچ مشکل یا نگرانی خاصی درباره هانتاویروس در کشور وجود ندارد.

پویا اصل‌باغ - گرچه فصل بهار آغاز شده اما

زمستان سخت معیشتی در کشور همچنان پابرجاست و سرمای استخوان‌سوز آن هرروز عمیق‌تر می‌شود. در این سرمای طاق‌فارسا، اقشار مختلف جامعه برای گذران زندگی تقلا می‌کنند. یکی از این گروه‌ها پیشکسوتانی هستند که دهه‌ها برای این سرزمین کوشیدند. زحماتشان که سال‌ها با تلاش و کوشش خدمت کرده‌اند و اکنون در دوران پیری با هزاران دغدغه به خانه بازگشته‌اند. دوران کهنسالی که باید نماند از آرامش و آسودگی باشد در ایران برخلاف بسیاری از نقاط جهان، نه آغاز دوران خوش که سرآغاز مشکلات جدید است. تاخیر در واریز مستمری، عدم همخوانی حقوق با هزینه‌های فرزندانه امروز و فراد کردن افزایش‌ها و هزاران مصیبت دیگر، جامعه مستمری‌بگیران را در کام سختی فرو برده است. این عوامل باعث شده بسیاری پس از بیش از ۳۰ سال خدمت، دوباره به چرخه کار بازگردند. زندگی ناموفق و پریشانی‌های اینترنتی و نشتن پشت فرمان، این روزها تشکیلی قابل‌توجهی از فقر بازگشته شده است. از سوی دیگر عده‌ای که توان کار کردن ندارند، ناچارند بار هزینه‌های زندگی را بر دوش فرزندان خود بگذارند. این وضعیت، میراث سیاست‌گذاری‌های اقتصادی است که بر کهنسالان تحمیل شده؛ کسانی که جوانی خود را وقف خدمت و تلاش کردند و امروز چیزی جز مشقت و انتظار، نصیبشان نشده است.

حکایت پیری: اندوه و تنگدستی

برخی در مواجهه با این وضعیت می‌گویند: بازنشستگان بدلیل برخورداری از امتیازات متعدد، چندان تحت فشار نیستند اما این نگاه درست نیست؛ همه افراد بازنشسته از یک میزان امکانات بهره‌مند نیستند. تفاوت و تبعیض اصلی، میان صندوق‌هاست؛ بازنشستگان لشکری و کشوری با مستمری‌بگیران تأمین اجتماعی یکسان دیده نمی‌شوند. اگر به اخبار نگاه کنید، معمولاً افزایش حقوق‌ها تنها برای گروه‌های از کارکنان دولت واریز می‌شود و مدت‌ها بعد نوبت مستمری‌بگیران تأمین اجتماعی می‌رسد. با این حال مشکل فقط به تبعیض محدود نمی‌شود. رشد شتابان تورم باعث شده بخش قابل‌توجهی از حقوق ماهانه، با هزینه‌های روزمره همخوانی نداشته باشد. نتیجه آن بازگشت برخی پیشکسوتان به بازار کار غیررسمی است حتی اگر سن و شرایط جسمی اجازه ندهد. انتظار برای دریافت وام، هزینه‌های اجاره‌ها، خوراک و پوشاک و نیز گرانی دارو و درمان، این روزها بسیاری از خانواده‌های این قشر را کلافه و سردرگم کرده است. در همین حال، اگر از نزدیک به صندوق‌ها سر بزنید، می‌بینید گروهی فقط برای «دریافت حقوق» تجمع می‌کنند.

«حکایت دوران پیری، چیزی جز اندوه و تنگدستی نیست» این جمله را یکی از مستمری‌بگیران در گفت‌وگو با «جهان‌صنعت» بیان می‌کند. وی درباره مشکلاتش می‌گوید: حدوداً چهار سال است بازنشسته شدم. در این دوران که زیاد ایداد سن‌سالدار راحت و آسوده باشند، مناسفانه با مشقت‌های جدید به‌خانه برمی‌گردم. من یک دختر و یک پسر دهمیت دارم که هر دو به‌زودی تشکیل خانواده می‌دهند. تهیه چهار برای خردم و کمک به پسرم برای برقراری مراسم عروسی، مهم‌ترین دغدغه‌های من است. برای حل این موضوع مدت‌هاست در انتظار دریافت وام هستم اما

تاکنون اتفاق مثبتی رخ نداده. ناچارم برای اینکه فشار اقتصادی به فرزندمان نیاید در تاکسی اینترنتی مشغول به کار شوم. بعد از سال‌ها خدمت پشت‌پشت، حالا پشت فرمان تلاش می‌کنم.

این مستمری‌بگیر به برداشت رایج درباره «امتیاز داشتن» هم پاسخ می‌دهد: بعضی‌ها فکر می‌کنند ما چون خرید اعتباری و ... داریم زندگی نسبتاً خوبی داریم اما هر خرید اعتباری با سود بالا از حقوق‌مان کسر می‌شود. حقوق‌ها هم با تاخیر واریز می‌شود. اگر بیماری پیش بیاید باید با سختی از بیمه استفاده کنیم و بخش عمده‌ای از هزینه درمان را هم خودمان می‌دهیم. در بسیاری از کشورها، دوران سالمندی آغاز سرفه، استراحت و لذت بردن از باقیمانده عمر است اما در ایران شروع سختی، تنگدستی و دغدغه‌های نواست

مورثه کهنسالان

اکنون که تنها با «بخشی از مشکلات» این قشر آشنا شده‌ایم؛ پرسش مطرح می‌شود که وضعیت این گروه در کشور چگونه است و این شرایط به چه صورت بر کرامت آنها تاثیر می‌گذارد. مصطفی آبروشن، جامعه‌شناس در این باره به «جهان‌صنعت» می‌گوید: وضعیت معیشتی بازنشستگان در ایران عموماً تحت فشار فرزندانه است. چون درآمد عمدتاً ثابت آنان با شوک‌های تورمی و رشد قیمت‌ها هم‌زمان نمی‌شود خرید ناطمینی‌در هزینه‌های درمانی و شکاف‌های مهم‌ترین عوامل فشار اقتصادی عبارت‌اند از: تورم مزمن کشوری و لشکری و شکاف اساسی و خدمات شهری، هزینه بالای مسکن و انرژی، نوسان نرخ ارز که از کالاهای وارداتی و قیمت‌گذاری بر معیشت اثر می‌گذارد و گاهی هم‌زمانی نامناسب تعدیل‌های مستمری با نرخ واقعی افزایش هزینه‌ها. علاوه بر این، کاهش قدرت خرید ناطمینی‌در هزینه‌های درمانی و شکاف‌های ساختاری بین نظام‌های مختلف بازنشستگی (تفاوت سطح پوشش، فرمول محاسبه مستمری و کیفیت خدمات) باعث می‌شود فشار در میان گروه‌ها یکنواخت نباشد. حتی اگر مبالغه‌آمیز باشد تفاوت متناظران مجبور به کوچک‌سازی سبک مصرفی، کاهش کیفیت تغذیه و تعویق نیازهای درمانی می‌شوند.

بازتاب

در حالی که با اعلام آتش‌نشانی انتظار می‌رود سطح تنش‌های روانی در جامعه کاهش پیدا کند، شواهد میدانی و تجربی‌های فردی نشان می‌دهد بسیاری از افراد همچنان با اضطراب، بی‌خوابی و احساس ناامنی دست‌وپنجه نرم می‌کنند. این وضعیت پرسش‌های جدی درباره «ترومای پس از جنگ» و اثرات آن بر خانواده‌ها و به‌ویژه کودکان ایجاد کرده است.

مهدی اسماعیلی‌تبار، نویسنده و روانشناس، در گفت‌وگو با خبرنگاران، با تاکید بر تفاوت ماهوی اضطراب ناشی از جنگ با استرس‌های روزمره، به تشريح ابعاد مختلف این پدیده، از دوران درگیری تا آتش‌سپس و پیامدهای بلندمدت آن می‌پردازد.

او می‌گوید: «حدوداً ۱۰ درصد واکنش‌های ما ریشه ژنتیکی دارد. ۳۰ درصد به برداشت و تحلیل شناختی ما برمی‌گردد و تنها ۱۰ درصد به عوامل محیطی مربوط است. این یعنی نحوه تفسیر ما از جنگ می‌تواند تعیین‌کننده‌تر از خود رویداد باشد. اینکه فرد یک موقعیت را تهدید ببیند یا فرصت، نقش تعیین‌کننده‌ای در پیامدهای روانی آن دارد»

اضطراب جنگ با استرس‌های روزمره چه تفاوتی دارد؟

اسماعیلی‌تبار توضیح می‌دهد: باید بین استرس و اضطراب تفاوت قائل شد. «استرس می‌تواند جنبه مثبت یا منفی داشته باشد اما اضطراب زمانی شکل می‌گیرد که فرد با نوعی احساس درماندگی مواجه شود. اگرچه انسان‌ها در بحران‌های مختلف، اعم از پاندمی کرونا و سایر بحران‌های گسترده‌ای که جامعه پیشتر گذرانده، دچار اضطراب می‌شوند اما اضطراب ناشی از جنگ به دلیل ارتباط مستقیم با تهدید بقا ماهیتی متفاوت و عمیق‌تر دارد. اضطراب جنگی در سه مرحله بروز پیدا می‌کند: پیش از جنگ، حین جنگ و پس از جنگ. آنچه به‌عنوان اختلال استرس پس‌از سانحه شناخته می‌شود، در واقع اضطراب پس از جنگ و میراث باقیمانده آن است.

میراث تلخ سال‌ها خدمت

آبروشن افزود: به‌طور کلی، در شرایط تورمی مستمری‌ها غالباً کفاف نیازهای اولیه را نمی‌دهند زیرا رشد هزینه‌ها به‌ویژه خوراک، حمل‌ونقل، بهداشت و درمان و اجاره از رشد اسمی مستمری پیشی می‌گیرد. شکاف را نمی‌توان با یک عدد واحد برای همه بازنشستگان تفسیر داد چون به منبع مستمری (کشوری / لشکری) / تأمین اجتماعی، وضعیت تاهل، هزینه‌های مسکن و سهم یارانه‌ها بستگی دارد. اما الگوی رایج این است که شفاف در حد کاهش محسوس توان خرید است. در واقع برای اقشار آسیب‌پذیر، فاصله میان درآمد مستمری و هزینه حداقلی زندگی می‌تواند به عقب‌افتادگی در پرداخت قبوض، کاهش مصرف پروتئین و داروهای مصرفی و اتکای بیشتر به کمک فرزندان یا منابع غیررسمی منجر شود. بازنشستگان معمولاً این شکاف را با چند مسیر پر می‌کنند، اتکای بیشتر به یارانه و کمک‌های حمایتی، اشتغال یا فعالیت اقتصادی مکمل، صرفه‌جویی‌های گسترده و در مواردی دریافت وام یا کمک خانوادگی.

این جامعه‌شناس ادامه می‌دهد: تفاوت فشار معیشتی بین گروه‌های مختلف بازنشستگان عمدتاً از سطح مستمری و کیفیت خدمات مکمل ناشی می‌شود. بازنشستگان تأمین اجتماعی در بسیاری موارد ترکیبی از بیمه و مزایای جانبی (بسته به سابقه و سطح حقوق بیمه‌شده) دارند در حالی که بازنشستگان کشوری و لشکری ارتباط است با نظام‌های متفاوت محاسبه و پرداخت مستمری مواجه باشند. همچنین در عمل، اختلاف در میزان برخورداری از خدمات درمانی، پوشش بیمه تکمیلی و دسترسی به امکانات حمایتی فشار را تشدید یا تخفیف می‌دهد. علاوه بر این، ترکیب سبب هزینه‌ها نیز اثر گذار است. برخی گروه‌ها به دلیل محل سکونت (شهرهای بزرگ‌تر با اجاره بالاتر) یا وضعیت سلامت (بیماری‌های مزمن و نیازهای درمانی) هزینه‌های بیشتری دارند. در نتیجه حتی اگر مبالغه‌آمیز باشد تفاوت متناظران نداشته باشد، فشار و تنیدگی ممکن است به شکل چشمگیری درون گروهی و بین گروهی متفاوت شود.

فاصله رفاه با بازنشستگان

این جامعه‌شناس توضیح داد: سیاست‌های کلان اقتصادی از چند مسیر مستقیم و غیرمستقیم بر معیشت بازنشستگان اثر می‌گذارد: نخست نرخ ارز است، با افزایش نرخ ارز قیمت کالاها و وارداتی و نهاده‌ها بالا می‌رود و این افزایش بعداً در قیمت کالاها داخلی نیز سربز بنابراین تورم عمومی تشدید می‌شود. دوم سیاست‌های دست‌مزدی و بازار کار است. اگر رشد دست‌مزد‌ها و شاخص‌های رفاهی یا سازوکارهای تعدیل مستمری هم‌راستا نباشد، قدرت خرید بازنشستگان نسبت به شاغلان کاهش می‌یابد و فاصله رفاهی بزرگ‌تر می‌شود. سوم سیاست یارانه‌هاست. کاهش یارانه‌ها می‌تواند هزینه سبد انرژی و کالاهای اساسی را بالا ببرد. درحالی که افزایش یا حفظ یارانه‌ها در دوره‌های تورمی نقش سپر حفاظتی دارد. همچنین جهت‌گیری‌های بودجه‌ای دولت‌مانند اولویت دادن به هزینه‌های جاری یا اصلاحات حمایتی تعیین می‌کند که آیا نظام‌های پرداخت مستمری در عمل می‌توانند اثر تورم را خنثی کنند یا خیر.

معیشت روی خط اعصاب و روان

پروین بیان کرد: فشار اقتصادی معمولاً اثرات جسمی بر سلامت جسمی و روانی دارد. از نظر جسمی، کاهش کیفیت تغذیه، تعویق یا حذف برخی خدمات درمانی که غیر اورژانسی به‌نظر می‌رسد و افزایش استرس مزمن می‌تواند پیامدهای مثل تشدید بیماری‌های قلبی-عروقی، دیابت، فشارخون و مشکلات گوارشی به همراه داشته باشد. از نظر روانی نیز ناامنی مالی با افزایش اضطراب افسردگی، احساس بی‌ارزشی و فرسودگی روانی همراه است. به‌خصوص زمانی که فرد احساس کند امید به بهبود شرایط با درآمد ثابت قابل تحقق نیست. درباره دسترسی درمانی، آنچه تعیین‌کننده است پوشش بیمه‌ای است. در بسیاری از موارد حتی اگر نظام بیمه وجود داشته باشد، هزینه‌های تکمیلی، سهم درمان‌های تخصصی و هزینه دارو و آزمایش می‌تواند مانع مراجعه منظم شود. بنابراین کافی بودن درمان فقط به وجود بیمه نیست بلکه به میزان واقعی هزینه قابل پرداخت و کیفیت پیگیری درمان هم مربوط است.

ترومای جنگ؛ میراثی که ممکن است به نسل بعد برسد

در روابط، چه با خود، چه با اعضای خانواده، می‌تواند به افزایش تنش، پرخاشگری و فاصله عاطفی منجر شود» او در عین حال بر اهمیت «همدلی» تاکید می‌کند و ادامه می‌دهد: «ارتباط یکی از مهم‌ترین دستاوردهای بشر است و اگر این ارتباط دچار اختلال شود، فرد به سمت اضطرابی حرکت می‌کند که زاینده درماندگی است. در چنین شرایطی بازسازی رابطه فرد با خود، خانواده و جامعه اهمیت حیاتی دارد.» اسماعیلی‌تبار همچنین با اشاره به وضعیت کودکان در دوران جنگ و آتش‌سپس، آنها را یکی از حساس‌ترین گروه‌ها می‌داند و می‌گوید: «کودکان ممکن است واکنش‌هایی مانند پرخاشگری، وابستگی شدید یا افزایش نگرانی را نشان دهند» او تاکید می‌کند که انتقال مفاهیم جنگ به کودکان باید با احتیاط انجام شود: «باید مفاهیم پیچیده و ترسناک را با زبان بزرگسالانه به کودک منتقل کرد. بهترین راه، استفاده از زبان کودکانه و بازی است؛ والدین باید از طریق

او همچنین با اشاره به نقش رسانه‌ها در این مقطع زمانی می‌گوید: «صرف بی‌وقفه اخبار به‌ویژه در شبکه‌های اجتماعی نیز افراد را در چرخه‌ای از شوخ‌فاکری نگه می‌دارد. این وضعیت مثال فردی است که مدام در بیخچال یا بی‌باز می‌کند، در حالی که می‌داند چیزی تغییر نکرده است. این کار فقط وابستگی را نشان می‌دهد.

پیشنهاد می‌شود که افراد مصرف رسانه‌ها را زمان‌بندی کنند و ضمن ارتقای سواد رسانه‌ای، هر خبری را بلافاصله داشته‌بند به‌ویژه زمانی که بی‌اطمئنانی یا پیش‌بینی‌ناپذیری نسبت به طرف مقابل وجود دارد.»

اسماعیلی‌تبار تاکید می‌کند که در چنین شرایطی، افراد ممکن است هم‌زمان با چند منبع فشار روبه‌رو باشند؛ از یک‌سوی تهدید خارجی و از سوی دیگر نارضایتی‌های داخلی؛ «این هم‌پوشانی فشارها باعث می‌شود آتش‌سپس نهایتاً آرامش کامل ایجاد نکند بلکه به یک دوره پیچیده و حتی بحرانی از نظر روانی تبدیل شود»

دغدغه‌های بی‌پایان

این جامعه‌شناس می‌گوید: در سال‌های اخیر نشانه‌های افزایش تنگدستی و خطر فقر در میان برخی گروه‌های بازنشسته دیده می‌شود. به‌ویژه در میان کسانی که مستمری پایین‌تری دارند، یا هزینه‌های درمانی و مسکن بر آنها سنگین است. این وضعیت معمولاً پیامدهای اجتماعی-اقتصادی جدی دارد: کاهش مشارکت اجتماعی، افزایش شکاف نسل‌ها، افت سرمایه انسانی در خانواده‌ها (به‌علت فشار مالی بر آموزش و نیازهای دیگر) و تشدید نابرابری در سلامت. علاوه بر آن، فقر سالمندی می‌تواند چرخه‌ای تولید کند که می‌کند و توان کار و کسب درآمد مکمل را کاهش می‌دهد. از منظر کلان نیز افزایش تنگدستی می‌تواند تقاضای موثر را محدود کند، بار خدمات حمایتی را بالا ببرد و اعتماد اجتماعی را کاهش دهد. به‌طور خلاصه فقر در سالمندی فقط یک مساله فردی نیست بلکه یک مساله ساختاری با پیامدهای گسترده برای جامعه است.

فعالیت اقتصادی پس از بازنشستگی در ایران نسبتاً رایج است اما شکل آن برای بسیاری «انتخاب کاملاً آزاد» نیست و غالباً به ضرورت اقتصادی تبدیل می‌شود. بخشی از بازنشستگان برای حفظ شبکه اجتماعی، احساس مفید بودن و بر کردن اوقات فراغت فعالیت می‌کنند (مثلاً کارهای پاروقتی یا فعالیت‌های غیررسمی) اما در شرایطی که مستمری با هزینه‌های زندگی هم‌خوان نیست، آرزوی اصلی اغلب جبران کسری درآمد و مقابله با تورم است. بنابراین پدیده شغل دوم دو باره دارد: از یک سو می‌تواند به یوایی و کاهش انزوای اجتماعی کمک کند، از سوی دیگر اگر ناشی از فقر نسبی و فشار معیشتی باشد، به فرسودگی جسمی و کاهش کیفیت استراحت سالمندی منجر می‌شود. نبود حمایت‌های کافی برای بازنشستگان ازجمله بیمه تکمیلی واقعی و سیاست‌های حمایتی هدفمند، عملاً این انتخاب را به ضرورتی گریزناپذیر نزدیک می‌کند. به‌نظر می‌رسد ارزیابی دقیق نیازمند تفکیک انگیزه و کیفیت فعالیت است.

استراحت نه؛ سختی آرزو

آبروشن در پایان گفت: برای افرادی که سال‌ها در مشاغل سخت و زیان‌آور فعالیت کرده‌اند، بازنشستگی همیشه معادل استراحت واقعی نیست. این افراد معمولاً با پیامدهای اجتماعی مواجه‌اند؛ فرسودگی اسکلتی - عضلانی، آسیب‌های تنفسی و شغلی و بیماری‌های مزمن که حتی بعد از خروج از کار نیز روند بهبودشان کند است. از طرفی فشار اقتصادی می‌تواند آنان را به سمت ادامه کار یا فعالیت سبک اما مداوم سوق دهد تا درآمد کافی برای پوشش هزینه درمان و زندگی فراهم شود. بنابراین سختی‌ها نهایتاً تمام نمی‌شود بلکه گاهی به شکل جدیدی در دوران پیری ادامه پیدا می‌کند. در نتیجه بازنشستگی در بهترین حالت فرصتی برای کاهش فشار کاری است اما در عمل به‌دلیل شرایط درمانی و اقتصادی می‌تواند همراه با تداوم درد، نیازهای پزشکی و محدودیت عملکرد روزمره باشد. این مساله نشان می‌دهد که «کیفیت بازنشستگی» به دو مولفه وابسته است: حمایت درمانی موثر و تأمین مالی کافی برای زندگی بدون اجبار به کار مجدد.

موقعیت‌های ساده و قابل فهم، احساس

امنیّت را به کودک منتقل و او را برای مواجهه با شرایط آماده‌کنند. هدف اصلی در این فرآیند توانمندسازی همراه با ایجاد حس امنیت است.»

بازسازی شناختی؛ کلید کاهش اضطراب

این روانشناس در ادامه به راهکارهای مواجهه با اضطراب اشاره می‌کند و می‌گوید: «فرار، فریز یا مواجهه، او تاکید می‌کند که هدف باید تبدیل واکنش‌ها از فرار یا انجماد به «مقاومت هوشمندانه» باشد یعنی فرد بتواند با شرایط سازگار شود، تاب‌آوری خود را افزایش دهد و حتی به‌رویی خود را بالا ببرد. «این مسیر از «اصلاح شناخت» آغاز می‌شود. ما نمی‌توانیم ژنتیک خود را تغییر دهیم اما می‌توانیم برداشت و تفسیر خود از شرایط را اصلاح کنیم.» او «بازسازی شناختی» را یکی از مهم‌ترین ابزارها می‌داند و اضافه می‌کند که اصلاح سبک زندگی، از جمله خواب، تغذیه و الگوی مصرف رسانه نیز نقش مهمی در کاهش اضطراب دارد.

جهان صنعت را در فضای مجازی دنبال کنید

jsnews
 jsnewsir
 jsnewsir
 jsnewsir
 jsnewsir

جهان صنعت

قابل توجه فعالان اقتصادی

تیم کارشناسی متشکل از کارشناسان اقتصادی و حقوقی به منظور کمک به رفع موانع تولید آماده ارائه خدمات به تولیدکنندگان و صاحبان کلا و خدمات در حوزه‌های زیر است:

- معرفی شرکای تجاری داخلی و خارجی
- برندسازی و دیجیتال مارکتینگ
- موفقیت در مذاکرات تجاری
- بازاریابی و فروش
- حل مشکلات قراردادهای تجاری
- مشاوره در زمینه‌های مالیاتی
- موانع صادرات و واردات
- پرورده‌های حقوقی
- مشکلات تأمین سرمایه
- تهیه بیزنس پلن
- خدمات مشاوره مالی و مالیاتی
- مشاوره در زمینه‌های مالیاتی

۰۹۱۲۲۹۷۶۶۰۴ | ۸۸۶۱۰۰۱۹-۲۱